

فراموش نمی کنیم، یادشان را گرامی می‌داریم (صفحه ۹)	تبریک سال نو میلادی (صفحه ۸)	زنده باد ۱۶ آذر روز دانشجو (صفحه ۷)	کیسنجر مرد (صفحه ۷)	سالروز تولد مائوتسه دون را گرامی داریم! (صفحه ۶)
دست‌ها یم را بگیر ای دوست! (صفحه ۱۲)	دست‌ها یم را بگیر ای دوست! (صفحه ۱۲)	نگاهی گذرا به پیدایش فاشیسم در ایتالیا	فلسطین و شکست آتش بس	به پشتیبانی از مبارزات کارگری برخیزیم (صفحه ۱۲)
خاطرات ترزا نوچه	صفحه آخر	صفحه آخر	صفحه آخر	صفحه آخر

به یاد رفیق دکتر یونس پارسابناب



زیبایی زندگی ۸۶ ساله ی زنده یاد یونس در اینست که در جهانی پُر هرج و مرج و به گفته خودش پر آشوب راه خدمت به بشریت مترقی را در پیش گرفت و با عشقی لبریز از حقیقت جویی به این باور رسید که چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است. در این صفحه ۲

خیالات واهی را بدور انداز و سازماندهی کن

اعدام کردند. این شیوه حکومت مداری رژیم جمهوری اسلامی ادامه همان شیوه حاکمیت پهلوی است تنها تفاوت آنها اینست که اولی ناسیونالیسم پان ایرانیستی سومکایی را پوشش میداد و این دیگر شیعیگری دوازده امامی را تبلیغ می کند. ماهیت طبقاتی هر دو یکی است، سرمایه داری را در برابر سوسیالیسم پشتیبانند آنها در عمل به طبقه سرمایه داری و مافیای نظامی - بوروکراتیک خدمت می کنند. و مانند همه سلطه گران تاریخ که نمایندگان طبقات مستمگر و استثمارگرند علاوه بر گلوله های آتشین که علیه دشمنان خود بکار می گیرند، از گلوله های شکر آلود هم استفاده می کنند. بورژوازی استثمارگر اروپایی برای تسخیر جهان پرچم تمدن مسیحیت را بلند کرد و بخشی از غنائم و استثمار شدید بردگان و کارگران در کشور

نسل جوانی در ایران پس از جنبش های ۹۶، ۹۸ و ۴۰۱ پا به مبارزه اجتماعی گذاشته که انقلابی ریشه ای را که برنامه سیاسی طبقه کارگر است راه حل میداند. آنها برای اولین بار مضحکه انتخابات را در ایران تجربه می کنند. حاکمیت جمهوری اسلامی در برابر این جنبش ها روش سرکوب را در پیش گرفت. مطالبات آنها پایه ای ترین احتیاجات مردم یعنی نان، کار و آزادی بود. کارگران، زحمتکشان، دانشجویان، معلمان، بیکاران زن و مرد را که در این خیزش ها شرکت کردند، اغتشاشگر و دست نشانده امپریالیسم آمریکا و اسرائیل خواند و نه تنها در نبردهای خیابانی با تمام قوا به سرکوب این اعتراضات پرداخت بلکه همچنان تا به امروز زندان ها پراز دستگیر شدگان شرکت کننده در این اعتراضات است که در این ماه گذشته چندین نفر از آنها را

مروری بر رویدادهای سالی که گذشت

سال ۲۰۲۳ در عین اینکه دارای حوادث مشخصی بود که در زیر خواهد آمد، از پی آمدهای حوادث سال های گذشته مانند جنگ اوکراین و جهانی شدن واگیری کووید ۱۹ بی نصیب نبود. در ایران: سال ۲۰۲۳ شاهد یکی از بزرگترین تحولات چند دهه اخیر در ایران بود. جنبشی که با شعار "زن، زندگی، آزادی" و با کشته شدن مهسا (ژینا) امینی شروع شد و در روند مبارزات مردم علیه رژیم همراه با شرکت وسیع زنان بود. این جنبش که ماه ها ادامه داشت، دارای دستاوردهای بزرگی برای مردم ما بود. سرکوب های جمهوری اسلامی و فعال شدن چند باره ماشین اعدام از فعالین این جنبش هم قادر به جلوگیری از تحقق بخشی

مقاومت خلق فلسطین بر حق است

کرد و فریاد "فلسطین را آزاد کنید" توسط مردم ضد فاشیست و آزادیخواه در دور ترین نقاط جهان طنین انداخت. بدون شک هفتم اکتبر در تاریخ رهایی خلق فلسطین مقام والایی را خواهد داشت که از هم اکنون نشانه های بارزی از این پیروزی نمایان شده است. صهیونیست ها را به عنوان کودک گشان که کمر به نابودی هرچه فلسطینی هست به جهان معرفی کرد. و ۱۵۳ کشور عضو سازمان ملل به اتفاق، جنایات اسرائیل را محکوم و خاتمه جنگ را طلب کردند. موازی با این جنبش های توده ای جهانی در ایران توده های مردم نا راضی از رژیم جمهوری اسلامی که از حماس پشتیبانی می کند؛ تا کنون بی تفاوت به نسل کشی اسرائیل در غزه برخورد کرده اند. البته رفتار توده های مردم

نسل کشی اسرائیل در سرزمین تاریخی فلسطین با هدف قتل یک ملت، خیزشی توده ای در سراسر جهان علیه سیاست صهیونیستی گرایش راست حاکم در اسرائیل بر پا کرده است. فلسطینیان غزه و نیروهای مسلح چند سازمان چپ و دموکراتیک ملی و اسلامی چنان توفانی را شبانه در هفتم اکتبر با شیبخون خود به مناطق اشغالی بر پا کردند که پایه های حکومت نتانیاهو را به لرزه در آورد. در برابر این حمله ناگهانی اما به مدت طولانی تدارک دیده شده، تعرض صهیونیست های حاکم که سال هاست کمر به نابودی ملت فلسطین بسته اند چون گاو وحشی با حمله هوایی، دریایی و زمینی به غزه شروع شد و چنان نسل کشی ای به راه انداختند که جهان خواب رفته ای که به پایمال شدن حق مردم فلسطین تن داده بود را بیدار



خیالات واهی را بدور اندازو... بقیه از صفحه ۱

های استعمار زده را با قشرهای بوروکراتیک کارگران کشورهای خودی تقسیم کرد. در کشور ما بورژوازی چون وابسته به سرمایه جهانی است و در هر دو نظام پهلوی و خمینی اقتصاد کشور تنگاتنگ با سرمایه‌داری جهانی عجین بوده است. استثمار مضاعفی را تولید کنندگان می‌بایستی تحمل کنند تا بورژوازی کشورهای متروپل بتوانند ریزه‌ای را پیش پای اریستوکراسی کارگری بریزند و اتحادیه‌های زرد را پا برجا نگهدارند. اما در برابر بورژوازی موفق اروپایی و آمریکایی که خود را بعنوان دموکراسی پایان تاریخ معرفی می‌کند و دموکراسی پارلمانی را همچنان بعنوان نظام برتر جهانی به رخ توده‌های زحمتکش جهانی می‌کشد، بورژوازی لاغر جهان پیرامونی چون امپریالیسم هنوز بر بازار و اقتصاد ایران تسلط دارد؛ گلوله شکر آلودی ندارد که اریستوکراسی کارگری ای را بوجود آورد. در نتیجه یک راه بیشتر ندارد جز گلوله‌های آتشین و صدور حکم اختیار به آتش به مزدورانش. درک این ویژگی توسط نیروهای انقلابی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این ویژگی و موقعیت استراتژیکی ایران شرایط بغرنجی را بوجود آورده است که مبارزه برای استقلال و رهایی از سلطه امپریالیسم جهانی همچنان عامل مورد جدالی در حاکمیت سرمایه‌داری است. همه درد و رنج مردم ایران و بحران کنونی ساختار سیاسی و اقتصادی ایران از حاکمیت سرمایه‌داری نئولیبرالیستی است و برای ادامه سلطه راهی جز سرکوب و دیکتاتوری مطلقه ندارد و ستمکشان و استثمار شونده‌ها هم به درستی راهی جز انقلابی ریشه‌ای، آلترناتیو کارگری سوسیالیستی در پیش ندارند. رژیم جمهوری اسلامی با براندازی رژیم سلطنتی توسط توده‌های وسیع مردم، به یاری امپریالیسم بر موج وسیع توده‌های علیه دیکتاتوری سلطنتی سوار شد اما از همان فردای قدرت با مقاومتی سراسری از طرف توده‌ها مجبور شد به جمهوریت قانون اساسی تن دهد. البته اینهم خدعه‌ای بیش نبود و پس از سرکوب نیروهای دموکراتیک و کمونیست‌ها قدم به قدم نظام ولایت فقیه مطلقه را مستقر سازد و برای ایجاد توهم در میان توده نظام پارلمانی را حفظ کند و هر چند وقت یکبار میان خودی‌ها رقابت‌های انتخاباتی برای ایجاد توهم برگزار کند. در این چهار دهه تجربه نشان داده است که انتخاب بد و بدتر هم نتیجه‌ای به سود توده‌ها به بار نیاورده است و توهمی بیش نبوده است. از رفسنجانی گرفته تا رئیسی همگی نمایندگان سرمایه‌داری و خدمتکار مشتکی سلطه‌گر

روحانیت به قدرت رسیده‌اند. پرسش اساسی اینست که طبقه کارگر در چنین جامعه‌ای و چنین شرایطی چه باید کند؟ در انتخاباتی که از پیش شورای نگهبان ممیزی کرده و کسانی را از صافی خود گذرانده که جیره خوار نظام است. طبقه کارگر چه اقداماتی را می‌تواند بکار گیرد تا توهم زدایی صورت گیرد؟ طبقه کارگر ایران تجارب خوبی از همان آغاز تشکیل حزب سیاسی پیشرو خود- حزب کمونیست ایران در این زمینه بدست آورد. این حزب نه تنها استخوان بندی‌اش را کارگران تشکیل می‌دادند بلکه پایه توده‌ای آن بقدری گسترده بود که ستارخان قهرمان ملی و مدافع مسلحانه انقلاب مشروطیت به سر حیدر عموغلی از رهبران آینده حزب کمونیست قسم می‌خورد و از رهنمودهای او پیروی می‌کرد. اما دستاورد های انقلاب مشروطیت را انگلیس‌ها با طرح کودتای ۱۲۹۹ اسید ضیاء و روی کار آوردن رضا میر پنج لشکر مزدور قزاق پامال کردند و از آن زمان تا بحال مردم ایران با تمام تلاششان برای استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی همچنان استبدادی مطلقه به سرکوبشان مشغول است. بنا براین پاسخ به چه باید کرد بر اساس تجربه طولانی افشای همه جانبه این دستگاه سرکوبگر ضد مردمی است که جلو هرگونه سازماندهی صنفی و سیاسی را گرفته است. در کشوری که احزاب سیاسی حق هیچگونه فعالیتی را ندارند و کوچکترین اجتماعی را سرکوب می‌کنند چگونه می‌توان از انتخابات آزاد حرفی به میان آورد. هم اکنون جنبش کارگری و جنبش‌های اجتماعی دیگر در حال اعتراض به وضع نامساعد معیشتی خود هستند، تضادهای میان جناح‌ها و فرقه‌ها و گروه بندی‌های مافیایی حاکم برای کسب قدرت بیشتر در حاکمیت، شرایط را برای پیشبرد مبارزات جاری اجتماعی با استفاده از شکاف‌ها مساعد می‌تواند کند. درست از این منظر کلیه نیروهای سیاسی کمونیستی و کارگری باید متحداً به پشتیبانی از جنبش‌های اعتصابی و اعتراضی جاری به پردازند و با هرگونه خیالات واهی به انتخابات مبارزه کنند و خود را در خدمت پیروزی جنبش‌های جاری اجتماعی گذارند. امروز ایران به زندان بزرگی از زنان و جوانان چپ و آزادیخواه، رهبران کارگران و معلمان و بازنشستگان تبدیل شده است. مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی را باید با مبارزه برای معیشت و حقوق پامال شده ستمکشان و استثمار شونده‌ها هم راه و همسو کرد و زمینه و توانایی پیروزی را ارتقا داد.

یاد رشید دکتر یونس پارساناب... بقیه از صفحه ۱

سال‌های طولانی، آموختن پیشه کرد و درستی و نادرستی آموخته را بارها در عمل آزمود. از شاگردی به استادی رسید ولی همچنان متواضع و یار و یاور رنجبران باقی ماند: "هم می‌آموزیم و از هم یاد می‌گیریم" چنین بود راه و رسم زندگی‌اش. حزب رنجبران ایران یکی از کادرهای برجسته‌اش را که متعلق به کل جنبش کمونیستی و کارگری ایران و جهان است؛ به همراه خلق قهرمان فلسطین، یکی از دوستان دیرینه خود را در روز ۱۹ دسامبر ۲۰۲۳ از دست دادند. او در شرایطی ما را ترک گفت که بشریت سال خونین نسل‌کشی مردم آواره فلسطین را پشت سر می‌گذارد. مرگ او چون کوه دماوند سنگین است، اما باید غم را به نیرو تبدیل کرد و به راهی که او نشان داده است همچنان وفادار ماند.

کمونیسم علمی افکار هدایت کننده برای انقلاب کردن دانش او به آنجا رسید که میدانست باید همچنان بیا موزد و آنچه را آموخته با تغییر اوضاع به روز کند. در جریان آموزش‌هایش از رهبران بزرگ جنبش کارگری از ایسم‌ها ی فردی خود را رها کرد و کمونیسم را بعنوان علم رهایی بخش با دفاع از طبقاتی بودن آن از یکسو و قدرت لایزال آن در تطبیق با شرایط مشخص از سوی دیگر، راهنمای عمل خود قرار داد و به تحقیق و بررسی تاریخ و جامعه ایران پرداخت. در این امر تا آنجا پیش رفت که شناختی کاملاً بدور از هرگونه اروپا مرکزی در باره تاریخ ایران و خاورمیانه عرضه کرد.

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است در همان گام‌های نخستین به جوهر وظیفه شناسی دست یافت و گفته ابولقاسم لاهوتی عضو حزب کمونیست را که «چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است» راهنمای تمام عمری خود قرار داد. او کادری پُر کار در اندیشه، قلم، گفتار و فعال در سازماندهی و وحدت بود. او از پیشروان فعال کنفدراسیون جهانی دانشجویان و محصلین ایران در آمریکا بود و «نشریه ستارخان بایراقی» را به زبان آذری بعنوان ارگان کنفدراسیون منتشر کرد و از این طریق به سیمای عمومی جنبش دانشجویی ایران؛ آزاد منشی تا حد حق تعیین سرنوشت ملیت‌های ستمدیده بخشید و در برابر شونیسم پان ایرانیستی شاهنشاهی صدای ستمدیدگان ملیت‌های سرزمین پهناور ایران شد.

مبارزه برای یکی شدن کمونیست‌ها
دکتر یونس پارساناب به عنوان یک

انقلاب سوسیالیستی تنها راه نجات بشریت است



آفریقایی و اروپایی نقش داشته‌اند. لذا غرور مشروع و میهن پرستانه ما باید در عین حال با احساس همبستگی و علاقه و احترام به اصل حق تعیین سرنوشت و مدنیت تمام ملیت‌های ساکن ایران و ملت‌های دیگر نیز همراه باشد. زیرا، در تحلیل نهایی، استقرار ایران مستقل، آباد، آزاد و پیشرفته تنها در سایه اتحاد دموکراتیک و داوطلبانه تمام ملیت‌های ساکن ایران و احترام به حقوق ملی فرهنگ و تمدن کشورهای دیگر بویژه کشورهای همجوار امکان پذیر خواهد بود.

یادش گرمی باد
حزب رنجبران ایران

مقاومت خلق فلسطین... بقیه از صفحه ۱

ایران در شرایطی که رژیم حاکم به حداقل خواست آنها پاسخی نمی‌دهد و فقر و بی خانمانی میلیونی انسان را به فلاکتی غیر قابل تحمل گرفتار کرده است، اعدام و دستگیری همچنان ادامه دارد؛ برای ما قابل درک می‌باشد و حکایت از بی شعوری صاحبان قدرت سیاسی دارد که چهار دهه است از سیاست نئولیبرالیستی اقتصاد جهانی به سرکردگی آمریکا پیروی می‌کنند. در کشوری که مردمانش بویژه طبقه کارگر و نیروهای کمونیستی آن همیشه مدافع خلق فلسطین بوده‌اند امروز گرایش پرو امپریالیسم آمریکا جرات یافته ارتباط پنهانی خود را با موساد علنی کند و در این جنگ نسل کشی توسط اسرائیل به مدافعان سر سخت اسرائیلی‌های فاشیست تبدیل شوند. این امر تازگی ندارد چه رژیم پهلوی دست نشانده امپریالیسم از دیر باز سیاست نزدیکی با اسرائیل را مخفیانه برای حفظ سلطنتش جلو می‌برد. ضعف جنبش کارگری و کمونیستی در خاورمیانه باعث بال و پر گرفتن خرده بورژوازی با گرایش‌های ملی مذهبی شده است و امپریالیست‌ها هم در صد سال گذشته از این نیرو برای ادامه سلطه خود در منطقه و جلوگیری از قدرت سیاسی ضد سرمایه‌داری به اشکال مختلف سوء استفاده کرده و می‌کنند. امروز گرایش سیاسی اسلامی و فرقه‌های گوناگون آن، سیمای عمومی خاورمیانه را پوشش داده است. این تنها جمهوری اسلامی نیست که ادعای ولایت را دارد و یا تنها اردوغان نیست که در پی احیای امپراتوری عثمانی است بلکه هزاران حوزه و مدارس اسلامی فرقه‌های مختلف چون طالبان، داعش، فدایی اسلامی، حزب الله و غیره که

در پیوند ناگسستنی با مبارزه رهایی بخش سوسیالیستی طبقه کارگر و متحدانش می‌داند. در زیر «جمع بندی ونتیجه‌گیری» او را در اثر «مسئله ملی و هویت ملیت‌ها در ایران» که در اردیبهشت ۱۳۶۹ در واشنگتن دی سی چاپ شد می‌خوانید.:

جمع بندی و نتیجه گیری

ایران کشوری کثیرالمله و مسکن اقوام متنوع و مختلفی است. این ملیت‌ها ضمن داشتن وجوه و اشتراک اتنیکی و متمایز مانند زبان، فرهنگ و خلیقات و سرزمین؛ وجوه اشتراک کشوری و دولتی و تاریخی را نیز دارا میباشند که زندگی مشترک آنها را در طول تاریخ پر از فراز و نشیب و پُر تلاطم ایران میسر ساخته است. آنها در سرزمین بهم پیوسته ای قرن‌ها در فلات کوهستانی و آفتاب زده ایران زیسته و هر یک به نوعی بخاطر کسب و حفظ استقلال و آزادی مبارزه کرده و حق ایرانی بودن را با جان و دل کسب کرده و از میهن خود که ایران نام دارد دفاع نموده‌اند. این ملیتهای متنوع چه آنهایی که در اکثریت‌اند و چه آنهایی که در اقلیت‌اند چه آنهایی که بیشتر از هزار سال ساکن ایرانند و چه آنهایی که در پانصد و یا صد سال اخیر ساکن ایران شده‌اند در نتیجه جانفشانی‌ها و قربانی‌ها با خون خود درخت کهنسال سرزمین مستقل ایران را آبیاری کرده‌اند و امروزه باید همه آنها حقوق مساوی بویژه در مسایل ملی و فرهنگی داشته باشند. ما صرف نظر از تعلقات ملی مذهبی و فرهنگی و عقیدتی هرگز نباید دچار تمایلات شوونیستی و تعصب ملی نسبت به دیگر ملیت‌ها و گزاف گویی درباره ملیت خود شویم. اگر ما در تاریخ پر از فراز و نشیب و پرتلاطم خود به مثابه یک ملیت از ملیتهای دیگر تجاوز و ستم دیده‌ایم نبوبه خود از شرکت در ستم و تجاوز به ملیتهای دیگر در ایران نیز مبری نبوده‌ایم. ولی در مورد هر یک از ملیتهای ساکن ایران؛ مسؤول واقعی، قشرهای ستمگر فوقانی قدرتهای حاکم بوده‌اند که آزمندانه خواستار حفظ امتیازات نامشروع اقتصادی و توسعه بازارهای خود به بهای نابودی و اضمحلال ملیتهای متنوع ایران بوده‌اند. افتخار ما باید به ابداعات علمی و آفرینش‌های فولکلوریک و اندیشه‌های رهایی بخش عدالت اجتماعی، آزادیهای ملی و بالاخره به آن چه که مترقی و رفاه بخش است باشد نه به انحصار طلبی‌های ملی، کاپیتولاسیون فرهنگی تجاوزات شوونیستی و غرور پان ایرانیستی در ایجاد تمدن و فرهنگی که ایرانی محسوب میشود. هم مردم ملیتهای متنوع ساکن ایران و هم بسیاری از مردمان کشورهای دیگر از افغانستان و پاکستان و هندوستان و چین گرفته تا کشورهای عربی،

کمونیست معتقد بود روشنفکر منفرد در جهان پُر هرج و مرجی که سخت غرق در جدال طبقاتی است، پریشان و درمانده می‌شود. با حرکت از این باور راستین خود در جریان مبارزه درون سازمان انقلابی و سپس حزب رنجبران ایران با انحلال طلبی و پراکندگی همیشه به مخالفت برخاست و برای حفظ یکپارچگی حزب و وحدت صفوف کمونیست‌ها برای پیوند با جنبش‌های اجتماعی و ایجاد حزب متحد پیشرو طبقه کارگر تلاش کرد. همیشه پیروزی طبقه کارگر را در گرو خط مشی سیاسی درست طبقه می‌دانست؛ او تاکید داشت در دوران امپریالیسم و انقلابات پرولتری باید در مبارزه برای براندازی ریشه‌ای نظام سرمایه داری روی دو پا حرکت کرد یعنی مبارزه علیه سرمایه داخلی را تواما با مبارزه علیه امپریالیسم جلو برد. در زمینه خط مشی سیاسی با حرکت از شرایط جامعه ایران روی مشی عمومی انقلاب پرولتری ایران یعنی بسیج و متشکل کردن وسیع‌ترین نیروهایی که خواهان استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی برای براندازی ریشه‌ای نظام سرمایه داری که نافش به سرمایه انحصاری امپریالیستی بند است تاکید داشت. همیشه یاد آوری میکرد که امپریالیسم آمریکا سد بزرگی در پیروزی چنین انقلابی در ایران است. برای توضیح این نقطه نظر اساسی و در عین حال استراتژیکی با دقت کامل مبارزه طولانی میان دو خط مشی سیاسی در ایران را در اثر چهل سال پیش خود تحت عنوان «استقلال و وابستگی، مبارزه بین دو خط در تاریخ سیاسی ایران» شاهد گرفته است.

تاکید روی نکات مشترک برای همکاری پایدار او تاکید داشت حزب ما جزوی از طبقه کارگراست و هیچگاه نباید فرقه‌ای و جدا از خواست طبقه عمل کرد و به درستی تاکید داشت که طبقه کارگر تنها با رهایی کل بشریت از یوغ امپریالیسم و نظام جهانی سرمایه‌داریست که می‌تواند آزاد شود. از این منظر با کلیه احزاب و سازمان‌های چپ و کمونیست و نهادهای کارگری همچون دوران کنفدراسیون جهانی دانشجویی، همکاری داشت و همراهی می‌کرد و متقابلاً این سازمان‌ها پارسا بناب را دوست و رفیق خود میدانستند.

مبارزه مشترک برای حق تعیین سرنوشت

دکتر یونس پارسا بناب در تیریز دنیا می‌آید، زبان ترکی زبان مادری‌اش است و نوشتن و خواندن آنرا خوب می‌داند، برای رفع ستم ملی در همه زندگی‌اش مبارزه می‌کند و این مبارزه را در دوران تاریخی کنونی و در سرزمین پهناور ایران با بیش از چندین هزار سال زندگی مشترک اقوام و ملل مختلف

برای ایجاد حزب کمونیست سراسری متحد شویم



ادعای تغییر جهان را به نام خدا و در راه خود دارند. آنها به نیروی اصلی ضد کمونیستی تبدیل شده‌اند که پایان تاریخ را با آمدن مهدی نوید می‌دهند. مارکس گفت دین افیون توده‌هاست اما هیچگاه نگفت کمونیست‌های خاور میانه با سلطه‌ی سراسری سرمایه‌داری زیر پوشش دین چگونه باید برخورد کنند. مانیفست حزب کمونیست تاکید دارد طبقه کارگر هر کشور باید اول تکلیف خود را با بورژوازی خودی حل کند و آنرا براندازد و دیکتاتوری طبقاتی کارگری را مستقر سازد. اما مانیفست چیزی در باره‌ی مردمی که تحت ستم ملی‌اند و هنوز دولت بورژوازی حاکم خود را مستقر نکرده‌اند و قدرت‌های امپریالیستی حکومت‌های دست‌نشانده‌ی آنرا مستقر ساخته‌اند نگفته است. آنچه مارکس و انگلس با گسترش جنبش‌های دیگر اقشار جامعه تاکید کردند اتحاد پرولتاریا با دیگر اقشار از جمله دهقانان برای مبارزه علیه سرمایه بود. چگونگی این اتحاد موضوعی است که بیش از یک قرن است در درون جنبش کارگری مورد بحث و گفتگو است. در ایران ما از همان آغاز جنبش بیداری در مبارزه علیه استعمار و امپریالیسم افرادی از روحانیت بودند که در سمت مردم ایستادند و علیه نمایندگان ارتجاع و بیگانگان ستمگر ایستادگی کرده‌اند. حزب کمونیست ایران با جنبش اسلامی گیلان به رهبری کوچک خان علیه رضا خان قزاق طرفدار انگلیس همراه شد و جمهوری سوسیالیستی گیلان را بوجود آوردند. در جنبش اخیر شیخ عزالدین حسینی در کردستان همراه و همسو با جنبش مقاومت در برابر سرکوب نیروهای چپ و کمونیست توسط رژیم جمهوری اسلامی بود. بنابراین یکدست و به یک باره همه را با یک چوب زدن و مرتجع خواندن تطابق با واقعیات ندارد. دین افیون توده‌ها ست به معنی این نیست که هر مسلمان افیونی است و هر جنبش سیاسی که مسلمانان در آن شرکت دارند و خود را اسلامی می‌داند ارتجاعی است. باید تحلیل مشخص از هر عمل آن نمود. شکی نیست که حماس و تشکل‌های اسلامی در جنبش مقاومت خلق فلسطین دست بالایی دارند. درست به همین علت بعضی‌ها در پشتیبانی از مبارزه جاری فلسطینی‌ها علیه فاشیست‌های اسرائیلی محکم نیستند. باید به ریشه‌های این مسئله بپردازیم. کارگران آگاه و کمونیست‌ها منافع جزو‌رهای بشریت ندارند و در نتیجه یافتن حقیقت عین منافع آنان است. وجود طبقات و مبارزه طبقاتی در روند تاریخی تکامل خود به مرحله‌ای می‌رسد که جامعه آستن جامعه نوینی می‌شود اما بورژوازی چون منافعش در

حفظ نظام کهنه است با تمام نیرو از زایمان جلوگیری می‌کند. مدت‌هاست شرایط برای چنین زایمانی در سراسر جهان بطور عینی فراهم شده این فعالان آگاه کارگرانند که توانایی به خاک سپاری سرمایه‌داری را هنوز در خود بوجود نیاورده‌اند. امپریالیسم و سرسپردگان ضد کمونیست آنها از جمله گرایش‌های اسلامی نقشی در ایجاد این ناتوانی بازی کرده‌اند. تقویت جنبش‌های اسلامی در خاور میانه و ایجاد کشور اسرائیل یکی از آن شگردهای چرچیلی نفاق انداز و حکومت کن است که سال‌هاست جنگ‌های محلی را باعث شده است. اما مقاومت مردم فلسطین را نمی‌توان بخاطر وجود حماس، ارتجاعی ارزیابی کرد و به پشتیبانی از صهیونیست‌های اسرائیلی پرداخت یا بی تفاوت نظاره گر ماند تا اسرائیل نقشه نابودی کامل فلسطینی‌ها را پیاده کند و آنرا بعنوان یک واقعیت بنا بر اصل «حق با قدرت است» پذیرفت. ماهیت جنگ کنونی چیست؟ برای شناخت ماهیت جنگ در فلسطین در درجه اول باید به شناخت سیاست حاکم بر جنگ کنونی پی برد. تا وقتی طبقات و مبارزه طبقاتی موجود است، تا وقتی مشتی کوچک در ناز و نعمت زندگی می‌کنند و اکثریت عظیم میلیاردری مردم در فقر و روند شکاف میان این دو هر روز بیشتر می‌شود، تا وقتی انواع ستم از ملی تا جنسیتی، نژادی تا پدر سالاری موجود است **مقاومت و مبارزه توده‌های به ستوه آمده در هر شکل و در هر زمان علیه استثمارگران و ستمگران بر حق است.** در این چهار دهه حاکمیت جمهوری اسلامی؛ خیزش جنبش‌های توده‌ای از زنان در همان ماه‌های اول پس از انقلاب پنجاه هفت شروع شد و آخرینش جنبش سراسری زن زندگی آزادی بود. بطور کلی سه نوع برخورد به این نوع جنبش‌ها موجود است: برخوردی که آنرا جنبش اغتشاشگران و وابسته به بیگانان می‌خواند و حاکمیت با تمام قدرت برای سرکوب آنها وارد میدان می‌شود برخورد دومی است که جنگ طبقاتی را با صف آرای اتو کشیده طبقه کارگر متشکل و سراسری و متحد می‌بیند و در انتظار می‌ماند تا طبقه کارگری آنچنانی بوجود آید برخورد سوم کمونیست‌هایی هستند که با آگاهی به نبود رهبری پرولتاریا بخاطر تغییر این وضع به درون این جنبش‌ها می‌روند، از توده‌ها پشتیبانی می‌کنند، روی جنبه‌های مترقی آن تاکید و دستاوردهای آنرا بر می‌شمارند، به سازماندهی عناصر پیش‌تاز می‌پردازند و با تقویت و پشتیبانی از نیروهای پیشرو و مترقی سیاست درست پرولتاریایی را می‌کوشند به سیاست غالب تبدیل کنند.

تجربه نشان می‌دهد کنار گود نشستن و در پی جنبش‌های ناب کمونیستی گشتن تطابق با روند تاریخی مبارزه طبقه کارگر ندارد. ویژگی‌های تاریخی و رشد نا موزون جوامع بشری در دوران سرمایه‌داری بویژه با ایجاد انحصارات غول پیکر جهانی و دولت‌های امپریالیستی جنبش‌های توده‌ای گوناگونی برپا می‌شوند. همان گونه که سرمایه‌داری هم در روند رشد خود از توسعه ناموزونی پیروی کرده است. درک این تفاوت‌ها و بررسی همه جانبه آنها جوهر کمونیسم امروز است و قدرتش در یافتن سیاست درست مطابق با خواست توده‌هاست. آنوقت است که توده‌ها پی می‌برند که حامی راستین آنها پیشروان متشکل طبقه کارگرند. راه پیروزی طبقه کارگر و انقلابات سوسیالیستی لزوماً همان راهی که سرمایه‌داری رفته است نیست این دو طبقه در مبارزه خود هدف متفاوتی را دنبال می‌کنند. یکی برای سود بیشتر خود و استثمار بیشتر و دیگری برای رهایی خود و کل بشریت از استثمار و ستم. در نتیجه در شیوه و چگونگی به قدرت رسیدن تفاوت‌های اساسی با هم دارند. امروز در جهان دو طبقه عمده متخاصم در برابر هم صف آرایی کرده و برای تغییر نظام جهانی به سود خود مبارزه می‌کنند، تمام این مقاومت‌ها و مبارزات در صورتی به پیش روی بشریت خدمت می‌کند که بتواند در مسیر حل تضاد بین سرمایه و کار، بورژوازی و کارگر حرکت کند. از آنجا که پرولتاریا آزادی‌اش در گرو آزادی کل بشریت است در نتیجه صف پرولتاریا یا آلترناتیو کارگری در برگزیده کلیه توده‌های ستمدیده و استثمار شونده است که تحت سلطه مشتی کوچک صاحبان سرمایه و قدرت‌های امپریالیستی قرار دارند. نظام سرمایه‌داری در این چند صد ساله توسعه‌اش، جهان را با زور فتح کرده است و دو جنگ جهانی اول و دوم را برای تقسیم مجدد میان قدرت‌های بزرگ خود بر پا کرده‌اند. ماهیت سرمایه‌داری به عنوان نظام غالب بر جهان چند قرن گذشته نشان می‌دهد جنگ را به عنوان ابزار عمده برای گسترش و تسلط بر جهان بکارگرفته است. در نتیجه طبقه کارگر و کلیه نیروهای ستمدیده انتخابی جز مقاومت و جنگیدن در برابر دشمنان خود ندارند. البته مارکسیست‌ها ضمن به حساب آوردن نقش قهر در تاریخ تحولات آنرا در بستر روند تاریخی نیروهای مولده و مبارزه میان طبقات مورد بررسی قرار می‌دهند و شیوه جنگ مقاومت استثمار شونده‌گان و ستم دیدگان را با شیوه جنگ استثمارگران متفاوت میدانند. تفاوت اساسی این دو در این است که در یکی توده‌ها نقش تعیین کننده را دارند و در دیگری



مشغولند. اما خوشبختانه بشریت در دوران تاریخی دیگری زندگی می کند. دوران انقلابات پرولتاریایی یعنی دورانی که طبقه کارگر جهانی به نیروی تعیین کننده‌ای در تولید و خدمت تبدیل شده و احزاب پیشرو سیاسی خود را در سراسر دنیا بوجود آورده است آنها استوار در سمت مردم ستم دیده فلسطین ایستاده و جنگ را جنگی رهایی بخش علیه اشغالگری و ستمگری دارودسته صهیونیستی حاکم اسرائیل می دانند. جنگی است رهایی بخش علیه کلونیالیست‌های صهیونیست. با توجه به تاریخ ایجاد کشور اسرائیل و نقش امپریالیست‌ها و سرمایه انحصاری در شکل دادن به سیاست حاکم کنونی آن میتوان بر اساس عملکرد آن چنین نتیجه گرفت اسرائیل یک کشتی جنگی مستقر در خاور میانه برای تضمین منافع امپریالیسم و قدر قدرتی آمریکاست.

پیروز باد جنبش مقاومت خلق فلسطین
محسن رضوانی آذرماه ۱۴۰۲

مروری بر رویدادهای سالی... بقیه از صفحه ۱

از خواست‌های این جنبش نشد. این جنبش در عین حال ماهیت برخی از اپوزیسیون داخلی و خارجی جمهوری اسلامی، بویژه سلطنت طلبان را در ضدیت با خواست‌های مردم ایران نشان داد. از دیگر مسائل حواشی این جنبش، انتخاب نرگس محمدی برای دریافت جایزه صلح نوبل و جایزه ساخاروف به مهسا امینی بود.

سال ۲۰۲۳ سال اعتصابات و اعتراضات کارگری بویژه کارگران صنایع نفت و پیروشیمی، گروه ملی فولاد اهواز اعتصاب بازنشستگان، معلمان و همچنین اعتصاب بزرگ در کردستان در حین جنبش " زن، زندگی، آزادی " و اعتصاب سه روزه بازاریان ایران در بسیاری از شهرهای ایران هم بود. روزانه بیش از ۷ اعتصاب و تحصن در جنبش کارگران و زحمتکشان گزارش شده است که یکی از فعالترین جنبش‌های اعتراضی منطقه‌ای است که نشانی از تشدید تقابلات طبقاتی بین رژیم سرمایه‌داری و کارگران و زحمتکشان است.

در سطح جهانی و منطقه‌ای پیوستن ایران به سازمان شانگهای بطور رسمی، ارسال سلاح و دریافت تکنولوژی‌های جدید نظامی از روسیه، از سرگیری روابط با عربستان و شکستن یخ

چنین سیاستی استعماری و غارت همه جانبه کشور های پیرامونی، در عمل نه تنها طبقه کارگر و توده‌های مردم را به مقاومت برانگیخت بلکه اقشار دیگر جامعه از جمله صاحبان سرمایه‌های بومی و کوچک داخلی را هم به مقاومت وادار کرد. در نتیجه این تفاوت‌ها آنقدر رشد کرد که اولی‌ها با تمام نیرو تلاش کردند سرمایه‌داری بومی را در نطفه نابود کنند و اگر با پشتیبانی توده‌های محلی هم به قدرت رسیدند با تکیه به قشر سرمایه کمپرادوری آنرا سرنگون سازند. نمونه بارز شناخته شده برای ما کودتای ۲۸ مرداد سال ۳۲ است که با دستیاری محمد رضا پهلوی و آیت الله ابولقاسم کاشانی حکومت ملی دکتر محمد مصدق را که برای کسب حقوق ملی مردم ایران تلاش می کرد سرنگون کردند. نادیده گرفتن این واقعیات میدانی و تاریخ مبارزات ضد امپریالیستی اقشار دیگر جامعه عملن مبارزان را به انحراف می کشاند. کما اینکه علت اساسی بی تفاوتی رهبری حزب توده در برابر کودتای ۲۸ مرداد را باید در سیاست انحرافی آن در برخورد به مصدق جستجو کرد. چون مصدق را نوکر امپریالیسم آمریکا می دانستند. از سوی دیگر ما در ایران خلیل ملکی از اعضای کمیته مرکزی حزب توده را داریم که به انحرافی راست دچار می شود و در دفاع از بورژوازی ملی از حزب انشعاب می کند و نیروی سوم را تشکیل می دهد و عملن زیر نام سوسیالیسم، مدافع دربست بورژوازی ملی می شود. بیش از صد سال از کنفرانس باکو می گذرد و درستی نظریه لنین در باره نقش مثبت جنبش‌های ملی در دوران امپریالیسم و انقلابات پرولتاریایی را زندگی تأیید کرده است. شاخص ترین تفاوت دومی با اولی اینست که بورژوازی بومی کشورهای پیرامونی برای زنده ماندنش باید در برابر انحصارات استثمار جهانی مقاومت کند و برای چنین مقاومتی پرچم ملی را برافرازد. روشن است همانطور که تجربه نشان میدهد از طرف امپریالیست‌ها تا بحال اکثر مواقع ناکام مانده است. بدون شک بورژوازی و خرده بورژوازی فلسطینی هم تا زمانیکه خط مشی ضد امپریالیستی کارگری را در پیش نگیرد هم در بین راه پنچر خواهند شد بطوریکه در این هفتاد سال نتوانسته مسئله فلسطین را حل کند و بعبارت دیگر قدم به قدم در برابر دشمنان خلق فلسطین واداده است. امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها جنگ کنونی را جنگ "حماس تروریست " و اسرائیل متمدن می خوانند و در غزه پس از تعرض فلسطینی‌ها به سرزمین اشغال شده ی خود، همچون اجدادشان در نسل کشی با سلاح‌های کشتار جمعی پیشرفته

سلاح و پیشرفته‌های تکنولوژیکی. مارکس و انگلس نزدیک دو قرن پیش با شکل‌گیری سرمایه‌داری در اروپا دوران جدیدی را نوید دادند که پرولتاریا وظیفه گور کنی بورژوازی را از لحاظ تاریخی بعهدہ دارد و بر اساس رشد سرمایه‌داری و مبارزات کارگری در انگلیس آزمون احتمال انقلاب پرولتاریایی را می دادند. اما در عمل چنین انقلابی تحقق نیافت و قبل از اینکه پرولتاریای کشورهای صنعتی اروپا بتوانند قدرت سیاسی را به کف آورند پرولتاریای روسیه تزاری در کشوری با اکثریت عظیم دهقانی و وجود ستم ملی شدید، به شکرانه متشکل شدن خود و رهبری راستین حزبی پیشرو در درون خود، انقلاب اکتبر را به ثمر رساند و قادر شد تعرض سرمایه جهانی را هم در جنگ داخلی درهم شکند و با استقرار کشور شوراها در کشوری پهناور نمونه ای شود نه تنها برای پرولتاریای کشور های صنعتی اروپایی بلکه برای کلیه مردم ستمدیده جهان از بردگان گرفته تا دهقانان و ملل ستمدیده تا برخیزند و حق خود را از مهتر و کهتر بستایند. این پیروزی پیش بینی احتمال وقوع انقلاب در روسیه عقب مانده را مهر تأیید زد. مارکس یاد آوری کرد طبقه کارگر آگاه در صورتی که مستقل عمل کند و حزب سیاسی پیشرو خود را بوجود آورد و خط مشی سیاسی منطبق با شرایط مشخص روسیه را در پیش بگیرد می تواند در روسیه انقلاب پرولتاریایی را به پیروزی رساند. از آن زمان پرولتاریای جهانی آموخت که انقلابات پرولتاریایی چه از لحاظ صف آرای طبقاتی و چه از لحاظ سیاسی بغرنج تر از صف آرائی ساده دو طبقه - بورژوازی و پرولتاریا ست. با گسترش زمینه‌های انقلاب به کشورهای دیگر جهان پیرامونی و برپایی جنبش‌های ضد استعماری و ضد امپریالیستی معلوم شد بورژوازی تمام کشورها چون صاحبان سرمایه هستند و استثمار می کنند و ماهیتن جزو طبقه استثمارگرند اما از یک قماش نیستند و در سیاست جهانی یکسان عمل نمی کنند. یکی توسعه سرمایه‌اش تا تبدیل به قدرت سیاسی امپریالیستی جلورفته است و دیگری همچنان عقب مانده نگهداری شده است. هر کشوری یکی از این دو نوع راه رشد و توسعه متفاوت را طی کرده‌اند. دارودسته‌ی استثمارگران اروپایی که سابقه نسل کشی آنها به دوران کشتار مردم بومی قاره آمریکا و استرالیا و به زنجیر کشیدن میلیون ها مردم آفریقا و انتقال آنها به آمریکا به عنوان برده با بورژوازی کشورهای پیرامونی تحت سلطه آنها تفاوت‌هایی اساسی با آنها دارند. اولی ادعای برتری و آقایی را دارد و دیگری در صورتی حق حیات دارد که به اولی خدمت کند. اعمال

نظام سرمایه‌داری نظامی فاسد، رانتی، سرکوبگر و ضد کمونیستی است



سالروز تولد مائوتسه دون و گرامی داریم!



۱۳۰ سال پیش ستاره سرخی در شرق زاده شد رفیق مائوتسه دون در بیست و ششم دسامبر ۱۸۹۳ در شوشن در خانواده دهقانی متولد شد پس از گذراندن دوره دانشسرا به معلمی و سپس کتابداری مشغول شد جزو بنیانگذاران حزب کمونیست چین بود و در سال ۱۹۷۶ در پکن در گذشت.

او در جریان مبارزه طولانی خلق چین برای رهایی از سه کوه بزرگ - امپریالیسم، فئودالیسم و سرمایه‌داری کمپرادوری که طبقه کارگر و دهقانان فقیر چین را به روز سیاه نشانده بودند. از محفل‌های کوچک کمونیستی همراه ۵۴ نفر دیگر در سال ۱۹۲۱ در شانگهای شهر صنعتی آنروز حزب کمونیست چین را بنیاد نهادند. حزبی که در مدتی کوتاه توانست جزوی از طبقه کارگر چین شود و پرولتاری میلیونی روستا را جلب کند و طبق شرایط چین عظیم‌ترین ارتش توده‌ای را زیر پرچم سرخ گرد آورد و انقلاب بزرگ چین را در سال ۱۹۴۹ با ایجاد جمهوری توده‌ای چین مستقر سازد.

او قادر شد کمونیسم علمی را برای شناخت جامعه چین و در مبارزه میان دو خط مشی در درون حزب بکار گیرد و قوانین چگونگی انقلاب چین را قدم به قدم تا پیروزی کامل بدست دهد. در دوران ساختمان سوسیالیسم در چین با تاکید روی ادامه مبارزه طبقاتی برای مدت طولانی در دوران گذار، با درس‌گیری از تجارب اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی توانست ضمن توسعه اقتصادی و پایه ریزی اقتصاد سوسیالیستی طبق شرایط چین با برپایی جنبش‌های عظیم توده‌ای از بازگشت بورژوازی جلو گیرد. در سطح جهانی هنگامی که تولیاتی رهبر حزب کمونیست ایتالیا به پشتیبانی از خروشچف در اتحاد جماهیر شوروی برخاست و

است.

جنگ اسرائیل علیه فلسطینیان و اوکرائین باعث رشد تشنجات بین‌المللی و آشکار شدن سیاست‌های ویرانگرانه‌ای شده است که قبلا در بسته بندی حقوق بشر و دموکراسی و مبارزه علیه دیکتاتوری توسط بزرگترین قدرت‌های جهان علیه کشورهای پیرامونی و اکثریت مردم این کشورها جلو می رفت. گران شدن افسارگسیخته قیمت‌های نه در کشورهای جنگ زده بلکه اکثریت قریب به اتفاق کشورهای جهان و غارت مردم کشورهای جهان و سودهای کمپانی‌های سرمایه‌داری بویژه صنایع نظامی، جهان را هرچه بیشتر برای فرودستان جهان نا امن کرده است. سال ۲۰۲۳ یکی از گرمترین سال‌های ۱۰۰ سال گذشته کره زمین بود که نشان از ویرانگری فعالیت‌های انسانی در محیط طبیعی‌اش است. سیل‌های ویرانگر، زلزله با کشتارهای بزرگ، خشک شدن بسیاری از منابع آبی و بیابان‌زایی که ادامه کل حیات بشریت را در معرض خطر قرار داده است. مبارزه علیه نجات محیط طبیعی از دست سرمایه‌داری یکی از خواست‌های کل جوامع بشری است که کنفرانس‌های دولت‌های جهان هنوز نتوانسته است راهکارهای مناسب آنرا بعلت نفوذ شرکت‌های سرمایه‌داری به منصفه اجرا بگذارد.

هیچ راهی برای بشریت بجزه انقلاب و سوسیالیسم در جهت رهایی بشر از وضعیت کنونی که هر روز بدتر هم میشود، نمانده است. با تمام این احوال مردم جهان با امید به آینده‌ای خالی از ستم و استثمار به مبارزات خود علیه سیستم‌های حاکم کشورهای خود ادامه می دهند و در این مبارزات راهکارهای ویژه جامعه و مردم خود را می یابند. تجربه جنبش زن زندگی آزادی نشان داد که جنبش‌های اجتماعی در بطن اکثر جوامع یک واقعیت عینی است که نبود تشکلات اجازه تحقق انقلاب و رسیدن آن به سرانجام خود را نمی دهد. دنیای کنونی که سرمایه‌داری با هزاران تشکلات گوناگون خود را مانند بختکی بر سر بشریت تحکیم کرده است وقت آن رسیده که جنبش‌های فرودستان این کمبود اساسی خود را با سازماندهی و ایجاد تشکلات خود جبران کنند. کاری که شروع شده و بایستی با تمام قوا در آن شرکت و از آن حمایت کرد.

مهران پیامی

روابط با برخی از کشورهای منطقه مانند امارات از آن جمله است.

سال ۲۰۲۳ در سطح منطقه شاهد دور جدیدی از درگیری‌های اسرائیل علیه فلسطین و مشخصا دولت اردوغان علیه کردهای ترکیه و سوریه، درگیری‌های آمریکا با نیروهای "محور مقاومتی" نزدیکی عربستان و ایران، از سویی کاهش تشنجات بین برخی کشورهای منطقه همزمان جنگ بین آذربایجان و ارمنستان، چهره دوگانه‌ای از شطرنج سیاسی خاورمیانه بوجود آورده است.

سال ۲۰۲۳ با تحولاتی در رهبری برخی از کشورها از طریق انتخابات و یا نشست‌های بین‌المللی صورت گرفت که در ادامه تاثیرات مشخصی داشت از جمله بازگشت ایناسیو لولا به ریاست جمهوری برزیل و یا به زیر کشیدن نخست وزیر پاکستان، به قدرت رسیدن سوناک در انگلستان، کودتا در نیجر و به قدرت رسیدن نظامیان در این کشور، انتخابات در نیجریه و تاجگذاری چارلز پادشاه انگلستان.

ادامه جنگ اوکرائین، شروع جنگ چندین باره درگیری‌ها در غزه و بمباران نقطه به نقطه غزه و نسل کشی مردم فلسطین، ضد حمله بزرگ اوکرائین در ماه ژوئیه، سرنگونی یک بالونی چینی توسط ایالات متحده و دو کودتا در آفریقا، نشست جی ۷، جی ۲۰، بریکس، شانگهای، وزرای دفاع ناتو، از کنفرانس‌های مهم بین‌المللی بود.

ادامه تورم در سطح جهانی؛ گران شدن اجناس و کالاها در اکثر کشورهای جهان، بالا بردن سود بانکی در تمامی کشورهای جهان بطور متوالی، به قدرت رسیدن آندری بابیس میلیارد در کشور چک و خاویر میلی بشدت راستگرا در آرژانتین.

شروع اعتصاب کارکنان راه آهن انگلستان، اعتصاب بزرگ فیلم نامه نویسان و سینماگران آمریکا به مدت پنج ماه، ادامه اعتصاب در فرانسه در اعتراض به افزایش سن بازنشستگی، اعتصاب هزاران کارگر صنایع فلزی بر سر افزایش دستمزد، کارگران رسانه ای و فرودگاه دوسلدرف و کارگران حمل و نقل در آلمان، کارگران نساجی در بنگلادش و... بخش بسیار بسیار کوچکی از هزاران اعتصاب در کشورهای مختلف جهان هستند.

سال ۲۰۲۳ سال ادامه جنگ و خونریزی و تشدید تضادهای امپریالیستی، تشدید تضاد بین مردم جهان با حکومت‌های فاسد و دیکتاتور جهان، سال رشد جریان‌های راست و فاشیستی و گرفتن قدرت در بسیاری از کشورهای جهان از جمله کشورهای اروپایی

توده‌ها سازندگان تاریخند



اما او با اینکه دکترای فلسفه را از دانشگاه هاروارد آمریکا گرفته بود، نتوانست فلسفه رهایی و عدالت اجتماعی و دموکراسی زحمتکش و مبارزات آنان را درک کند. او نماینده‌های آگاه به منافع امپریالیسم آمریکا که در آن دوران در عرصه جهانی یکه تازی می کرد، بود. اما در دوران او نقطه ضعف‌های این امپریالیسم جهانی برای ادامه سلطه بر جهان سرمایه‌داری در حال روشن شدن بود و او با سیاست‌هایش سعی داشت که جلوی افول ابرقدرتی آمریکا را بگیرد. او همراه برخی از سیاست‌هایی که طراحی کرد به خاک سپرده شد. سیاستی که در عرصه بین‌المللی با ظاهری صلح آمیز بدنبال برپایی جنگ‌های داخلی و منطقه ای و ایجاد تشنج‌ها در بین جوامع بود؛ کاملاً افشاء و از جانب کشورهای معترض به سلطه مطلقه آمریکا در جهان و مردم ضد سلطه، ستم و استثمار طرد شده است.

امروز به سختی می توان آمریکای لاتین را حیاط خلوت آمریکا نامید. آمریکای سال ۱۹۷۰ قادر بود که با نوشتن نامه به رهبران بسیاری از دولت‌ها برایشان خط مشی تعیین کند و افرادی را برکنار و افرادی را بکار بگمارد. اما امروز آمریکا حتی بر دست‌آموزترین حکومت کشورهای سابق تحت سلطه از بسیاری جهات نفوذ خود را از دست داده است.

کسینجر فردی پرکار و مبتکر در سیاست بود. امپریالیسم آمریکا در رهایی از بسیاری از تنگناهای بین‌المللی مدیون سیاست‌های مبتکرانه او و مشاورانش است. او دیگر نیست تا ادامه روندهای برخی از سیاست‌های خود را ببندد. ولی او با تمام زیرکی و مبتکر بودن نتوانست جلوی افول آمریکا از قدرقدرتی جهانی‌اش را بگیرد. او نتوانست جلوی حرکت تاریخ را بگیرد نکته بسیار پر اهمیتی که حتی با داشتن دکترای فلسفه درک نکرد.

ع-غ

زنده باد ۱۶ آذر روز دانشجو

در سالگرد شانزدهم آذر روز دانشجو باید از مسیر گلگون شده مبارزات تاریخی محصلین، دانشجویان و استادان دانشگاه و معلمان عبور کنیم و یاد قربانیان نسل اندر نسل پیمودگان این راه را گرامی بداریم.

پس از کودتای امپریالیستی آمریکایی - انگلیسی در ۲۸ مرداد ۳۲ جنبش دانشجویی نقش برجسته‌ای در سازمان دهی مقاومت سراسری و در اتحاد میان نیروهای چپ و ملی بعهده داشت. چند ماه از کودتا نگذشته بود که ریچارد

نظامی فاسد و جنایتکار قدرت را بدست می گرفتند نقش طراح و حمایت کننده را ایفا می کرد. در کشت و گشتارهای بنگلادش، شیلی، فروش بیش از ۵ میلیارد دلار سلاح های آمریکایی، سیاست نزدیکی به چین، مجبور کردن ایران به اجازه ورود سپاه صلح آمریکا و استقرار بخشی از آنها در ایران و..... نقش محوری داشت.

در همه فعالیت‌های فوق حتی زمانی که سیاست نزدیکی به چین و دیپلماسی پینگ پنگی را جلو می برد، هدفی بشدت ضد کمونیستی، ضد دموکراتیک و جنگ طلبانه را جلو می برد. نزدیکی آمریکا به چین نه از منظر تشنج زدایی بین‌المللی بلکه کمک به رشد چین در جهت کمک به شدت یافتن و تشنج بیشتر بین شوروی و چین بود. سیاستی که نتایج و پی آمدهایش بعداً به اهداف کسینجر منجر نشد و چین سیاست دوستی با روسیه بعد از فروپاشی و "درهای باز" را در پیش گرفت.

در چین به صورت دوگانه ای به او برخورد شد از یک طرف او را دوست مردم و از طرف دیگر فسیل خواندند.

در بیشتر کشورهای جهان بعلت دفاع او از همپیمانان آمریکا در کشورهای جهان سومی و همراهی در سرکوب مردمان این کشورها، تنفر عظیمی از او در دل ها باقی مانده است. اکثر روشنفکران و سیاست مداران مترقی او را جنگ طلب و همراهی کننده با نسل کشی و جنایت می دانند.

روزنامه‌های آمریکایی رسمی و نزدیک به نهادهای مالی و دولتی از او با احترام و تمجید یاد کردند. در حالیکه دیگر انتشارات آمریکایی اگر مستقیماً او را مورد نقد قرار ندادند ولی با سئوالات بزرگ و اما و اگرها در رابطه با مرگش قلم زدند. بی‌بی‌سی بطور زیرکانه‌ای نوشت " او به واقع گرای در سیاست باور داشت. برنده جایزه صلح نوبل شد و جنایتکار جنگی لقب گرفت."

لقب جنایتکار جنگی فقط در رابطه با کمک به حکومت جنایتکار آرژانتین بعد از کودتا نبود بلکه در همگامی با کودتای شیلی و بسیاری دیگر از کشورهای آمریکای لاتین در برپایی حکومت‌های خودکامه و دیکتاتوری بودند که بدون هیچ مه‌بایی بخاطر منافع شرکت‌های آمریکایی کشت و کشتار می کردند.

در سیاست ویتنامی کردن جنگ ویتنام که بخاطر طولانی کردن جنگ ویتنام بدون سرباز آمریکایی طراحی شده بود نقش مهمی بازی کرد. سیاستی که با شکست روبرو شد و او مجبور شد که سیاست صلح پاریس را جلو ببرد و آمریکا را از ورطه خفت بار جنگ ویتنام بیرون بکشد. بسیاری او را طراح سیاست‌های جدید دولت آمریکا در عرصه جهانی می دانند.

امپریالیسم یعنی جنگ

راه رویزینیستی را در پیش گرفتند او با مبارزه درون حزب کمونیست چین را علیه خط مشی انحرافی راست سه مسالمت آمیز را به درستی هدایت کرد.

مردم چین امروز خدمات مائوتسه دون را بدون شک در تاریخ رهایی خلق چین، بشریت و جنبش کمونیستی جهان هیچگاه فراموش نخواهد شد. سازمان انقلابی حزب توده ایران یکی از تشکل‌های کمونیستی بود که نقش موثری در پراکندن آموزش‌های او در جنبش کارگری ایران را داشته است. رفقای چون منوچهر چهر رازی، خسرو صفایی، عطا کشکولی، پرویز واعظ زاده مرجانی از جمله رفقای بودند که در مدرسه حزبی حزب کمونیست چین به آموزش اندیشه مائوتسه دون پرداختند.

رفقای ما هیچگاه گفته مائوتسه دون را فراموش نمی کنند که در دیدار با هیئت نمایندگی سازمان انقلابی یاد آوری کرد. قدرت کمونیسم در تلفیق آن با شرایط مشخص است، باید به میان توده‌ها در ایران روید و در عمل چگونگی انقلاب کردن را در ایران فرا گیرید. از تجربه چین گپی برداری نکنید ما ده سالی در چین کردیم و اشتباه بود و بسیار لطمه خوردیم.

یادش گرامی باد حزب رنجبران ایران

کسینجر مرد

هنری آلفرد کسینجر وزیر امور خارجه سابق آمریکا در دولت نیکسون در نوامبر ۲۰۲۳ در ۱۰۰ سالگی درگذشت. او متولد شهر فورت آلمان و در یک خانواده یهودی زاده شد. خانواده او بعلت فشار نازی‌ها در آلمان در سال ۱۹۳۸ به آمریکا مهاجرت کردند. او تحصیلات خود را در فلسفه در دانشگاه هاروارد به پایان رساند. در دوران نیکسون وزیر امور خارجه آمریکا و در دوران ریاست جمهوری جerald فورد جز مشاوران ارشد او بود. او یکی از تاثیر گذارترین وزیران امور خارجه آمریکا در امور بین‌المللی بود. سیاست‌های او، خدمات شایانی به امپریالیسم آمریکا در زمینه سرکوب و براه انداختن کودتاهای متعدد و جنگ‌های ویرانگر منطقه‌ای کرد. او دیپلماتی پراگماتیسم بود. از یک طرف مذاکرات سالت و دتنت را برای تشنج زدایی با شوروی جلو می برد و از طرف دیگر از کودتا و براه انداختن جنگ‌ها و کشت و گشتارها علیه مردم در هر کجا که علیه شوروی بود، حمایت کرد و تلاش عظیمی در از بین بردن شوروی بکار برد. در اکثر کودتاهای آمریکای لاتین که حکومت‌های



اسرائیل را وتو کردند. اینکه بعد از بازشدن مشت هایشان و بعد از رسیدن اسرائیل به برخی هدف هایشان در غزه از آتش بس انسان دوستانه "پشتیبانی" می کنند، این سیاست پشتیبانی از طرفی ناشی از فشار میلیون ها تظاهرات کننده ای است که هر هفته در کف خیابانها هستند و از طرف دیگر کاملا از هدف های آتی دولت صهیونیست اسرائیل وامپریالیستها بصورت ادامه داری پشتیبانی می کنند. بحث آتش بس دوستانه بدون تأیید و دفاع عملی در سطح جهانی و تحقق بالفعل آن در جهت نفی اشغالگری و ایجاد دو کشور یا یک کشور کاملا دمکراتیک در شرایط عدم دخالت امپریالیستها و در محیطی دمکراتیک و انقلابی، پشتیبانی فریبکارانه و دروغی محض است.

در عین حال بعد از پمپاژ تبلیغاتی علیه مردم فلسطین در روزهای اوایل درگیریها و فروکش آن، میلیون ها نفر از مردم معترض و صلح دوست جهان علیه جنایات اسرائیل و حمایت دولت های مطبوعشان از صهیونیستها، برای دفاع از مردم فلسطین بویژه در شرایط کنونی مردم غزه، به خیابانها آمدند. وسعت و گستردگی اعتراضات مردم جهان نشان از همدرد شدن مردم جهان علیه بلایا و مصائبی است که سرمایه داری در کشورهای گوناگون جهان بوجود آورده است. در عین حال سربرآوردن تظاهرات های میلیونی و مداوم در بسیاری از شهرهای جهان نشان از تضادهای درون سیستم امپریالیستی دارد که هر روزه تشدید می شود.

آتش بس چند روزه اخیر که بخاطر تبادل زندانیان دو طرف انجام شد، کورسو امیدهایی را برای مردم خسته و بیزار از جنگ و خونریزی علیه مردم بی دفاع و غیر نظامی غزه بوجود آورده بود که شاید این آتش بس بتواند پایدار بماند. اما اسرائیل و آمریکا نشان دادند که نه تنها با آتش بس مخالف هستند بلکه مصمم به ادامه سیاست نسل کشی و اشغال بیشتر سرزمین های فلسطینیان هستند. ادامه سیاست های کنونی آمریکا در خاورمیانه، آمریکا و اسرائیل را کاملا منفرد کرده است. رای گیری اخیر مجمع عمومی سازمان ملل با ۱۵۳ رای موافق به آتش بس، بطور روشنی این افراد را به نمایش گذاشت.

کشتار و قتل عام دور اخیر فلسطینیان توسط دولت اسرائیل در عین حال آگاهی روشنفکران و مردم اسرائیل را نسبت به مسائل درونی جنبش فلسطین بالا برد و تا حدی توانست از نفرتی که توسط مرتجع ترین دارودسته های راست اسرائیل علیه اعراب تبلیغ می شد، جلوگیری کند. در داخل اسرائیل هزاران تن از مردم اسرائیل در جهت

امنیت و زندگی انسانی را تلخ و ناگوار کرده است. هر روز که بر می خیزید رسانه های جهانی متعلق به انحصارات پُر از خبرهای ناگوار است. اما این یک جانب زندگی تحت نظم سرمایه داری است، روی دیگر شرایط در سال گذشته، میلیونها اعتراض و اعتصاب و تلاش بشریت برای رسیدن به زندگی بهتر، مبارزه با ستمگران و استثمارگران دنیای کنونی بود. برعکس خواست مشتی کوچک از سلطه گران جهان، امید و تلاش انسانها برای رسیدن به عدالت اجتماعی و تحقق آن هر روز عینی تر و نزدیک تر می شود. روند تاریخ را نمی توان اراده گرایانه به سود طبقه سرمایه دار تغییر داد و جلوی خواست تودهها را سد کرد. خواست همه انسان های عدالت طلب و آزادیخواه و صلح طلب جهان، برای رهایی گسترش می یابد و جهان بدون ستم و استثمار و جنگ و خونریزی را در آینده ای نزدیک قابل دسترس کرده است.

سال جدید بر شما مبارک باد

حزب رنجبران ایران

فلسطین و شکست آتش بس ۲۰۰۰ بقیه از صفحه آخر

کنترل امنیتی غزه را بعهدده خواهد گرفت. بنا بر گفته نتانیاهو حتی بخش های باقی مانده قرارداد اسلو و ۶۷ عملا از بین خواهد رفت. و غزه عملا به سرزمین های اشغالی ملحق خواهد شد. اما این پایان ماجرا نخواهد بود. قدم بعد پایگاه و مناطق دولت خودگردان فلسطینی است که در شهر رام الله (کناره باختری رود اردن)، خواهد بود. جدا از تأیید همیشگی اسرائیل توسط غرب، از زمانی که اسرائیل شروع به دیوار کشی و تغییر سرزمین های اشغالی به زندانی برای خلق فلسطین کرده است، با سکوت شرم آور دولت هایی که ادعاهای حقوق بشری و دمکراسی شان گوش ها را کر کرده بود، مواجه هستیم. غزه پرده از روی چهره فریبکارانه دمکراسی سرمایه داری بویژه در کشورهای امپریالیستی برداشت و به همه کسانی که دارای توهماتی نسبت به ادعاهای این فریبکاران جهانی بودند نشان داد که آنان برعکس حرف ها و گفته هایشان در عمل متحد رهبران جنایتکار اسرائیل هستند. بعد از دومه کشتار بی وقفه ارتش اسرائیل در غزه و هجوم به منطقه حکومت خود گردان، اجازه ندادند که سازمان ملل به مسئله بطور عملی ورود کند و تمامی قطعنامه های سازمان ملل در محکومیت

نیکسون معاون رئیس جمهوری آمریکا برای اعلام پشتیبانی از کودتا چیان و تقویت تخت لرزان محمد رضا شاه به ایران آمد. محمد رضا شاه برای قدردانی از کودتاچیان اهدای دکترای افتخاری دانشگاه تهران جزو تشریفات خوش آمد گویی از نیکسون قرار داده بود. در روز ۱۶ آذر هنگامی که دانشجویان دانشگاه تهران شعار مرگ بر آمریکا مرگ بر رژیم کودتا فریاد میزدند ژاندارمهای شاهنشاهی علیرغم مخالفت رئیس دانشگاه وارد دانشگاه شدند و تظاهر کنندگان را زیر آتش خود در سالن ها و کلاسها قرار دادند و صدها دانشجو را زخمی و دستگیر کردند و از میان آنها مصطفی بزرگ دنیا، احمد قندچی و شریعت رضوی را به قتل رساندند.

۲۸ مرداد ۱۶ و آذر سال ۳۲ آغازیست در تاریخ معاصر ایران که جنبش نوین مقاومتی را مشترک علیه امپریالیسم و دیکتاتوری سرکوبگر داخلی تا سرنگونی رژیم سلطنتی در سال ۵۷ پی ریزی می کند. ایجاد کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی یکی از دستاوردهای بزرگ این جنبش مقاومت است که صدها مبارز تا آخر را علیه رژیم کودتا شاهنشاهی و رژیم جمهوری اسلامی را پرورش داد.

جنبش دانشجویی امروز در این سالهای طولانی همیشه در صحنه بوده و با درایت تر همچنان نقش پیشتاز را در کلیه جنبشهای توده ای و برای پیوند آنها بهم بعهدده دارد. امروز جنبش دانشجویی سیمایی پر رنگ از زنان ایران را دارد که متحدا در هر خیزشی یاد آوری می کنند فرزندان کارگران و طبقه کارگر و برنامه سوسیالیستی را تنها آلترناتیوی واقعی برای نجات ایران میدانند.

پیروز باد جنبش محصلین و دانشجویان در پیوند با طبقه کارگر
پیش بسوی سازماندهی کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایران
سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی مرگ بر امپریالیسم
زنده باد سوسیالیسم

حزب رنجبران ایران ۱۳ آذر ۱۴۰۲

**سال ۲۰۲۴ میلادی را به همه کسانی
که آنرا جشن می گیرند تبریک
می گوئیم .**

به پای برگزاری جشنهای سال نو میلادی می رویم در بیم و امید. دست هایمان را برای اتحاد و پیروزیهای بیشتر در دستهای یکدیگر می گذاریم و شادی و زندگی را با تمامی نیرو و انرژی از سر می گیریم . در شرایطی ما سال ۲۰۲۳ را پشت سر می گذاریم که جنگ و خونریزی و دیگر بلایای اجتماعی همچنان بر سر بشریت سنگینی می کند و ثبات،

برای انقلاب کردن به حزب انقلابی نیاز است



از دخالت در امور فلسطین و اسرائیل تحقق نخواهد یافت. در عین حال جنایت‌های اخیر اسرائیل علیه فلسطین دارای تبعات و پی آمدهای گسترده ای است که از جمله آنان حمایت میلیونی در عرصه جهانی از جنبش فلسطین و علیه اشغالگری و نسل کشی مردم فلسطین است.

در این مقطع زمانی که ملت فلسطین در یکی از سخت ترین شرایط انسانی در غزه قرار گرفته دفاع از ملت فلسطین دفاع از نیروهای مترقی و چپ فلسطین و همبستگی با زحمتکشان عرب و یهودی در سرزمین فلسطین و مناطق تحت تسلط دولت اسرائیل، می تواند برای ما بعنوان نیروهای کمونیست و سوسیالیست قدم هایی در راستای وظایف انترناسیونالیستی مان باشد.

ع.غ



فراموش نمی کنیم. یادشان را گرامی میداریم

از کادریهای برجسته سازمان انقلابی که در چهار سال پس از اولین کنفرانس سازمان در تیرانا توانستند به ایران برگردند و تا اواخر سال ۱۳۵۵ به مدت هفت سال در شرایط امنیتی سختی تشکیلات سازمان انقلابی را هدایت کنند. رفیق دکترشکوه طوافچیان پزشک ذوب آهن اصفهان تنگاتنگ با پیشتازان کارگری پیوند داشت و رفیق وفا جاسمی به عنوان پرستاری کار کشته در تهران در تمام این دوران کار می کرد و رفیق پرویز واعظ زاده توانست به کار نجاری مشغول شود.

آنها تا آخر ایستادند و زیر شکنجه سخن نگفتند.

یادشان گرامی باد.

نگاهی گذرا به... بقیه از صفحه آخر

تشکیل «حزب سوسیالیست متحد» به رفرمیست های توراتی پیوست. او که یکی از رهبران «پیمان صلح» میان سوسیالیست ها و فاشیست ها بود پس کشته شدن جاکومو مائوتوئی بسیار خشمگین گشته و کشتن موسولینی را با همکاری ژنرال لوئیجی کپلو (Luigi Capello) برنامه ریزی کرده بود، غافل از این که در گروه او یک عامل نفوذی پلیس، وی را تحت مراقبت داشت. از این روی در روز ۴ نوامبر ۱۹۲۵، سه ساعت پیش از آنکه از یکی از اتاق های هتل Dragon در روبروی ساختمان مجلس بتواند موسولینی را مورد هدف قرار دهد، دستگیر و با آن که قصد به وقوع نپیوسته بود، پس از چند بار بازجویی و نشست در دادگاه، در ۱۱ آوریل ۱۹۲۷، به سی سال زندان محکوم شد.

چند روز پس از آن «حزب سوسیالیست متحدان» و روزنامه آن منحل شدند و توراتی

پیوست، از سال های ۱۹۱۳ تا ۱۹۱۵ دبیر فدراسیون تعاونی های آن شهر بود و همچنین با روزنامه «سرزمین نو» (Terra Nuova) همکاری می کرد و در مخالفت با شرکت ایتالیا در جنگ یکم جهانی مقالات بسیاری نوشت، اما از آن روی که خوبی ضد و نقیض داشت موضع خود را تغییر داد و در جنگ نیز شرکت کرد و به خاطر شجاعتش سه مدال دریافت کرد و به درجه سرگردی ارتقاء یافت؛ در پایان با درجه سرهنگی ارتش را ترک کرد.

در سال ۱۹۲۰ در انتخابات بخشداری در شمال ایتالیا شرکت کرد و در شهر مانتوا (Mantova) با سمت مشاور برگزیده و در همان سال شهردار زادگاه خود، شهر مَنزَمَنو شد. در سال ۱۹۲۱ نماینده مجلس شد و پس از

پایان دادن به جنگ و درگیری های داخلی با فلسطینیان و آزادی زندانیان به خیابان ریختند و علیه تنایهاو شعار دادند. مردم یهودی اسرائیل همچون فلسطینیان از جنگی که دولتشان براه انداخته و کشور را در جهت تحقق اهداف تجاوزگرانه تماما ملیتاریزه کرده است، خسته شده اند. با اینکه بخش های مختلف جنبش فلسطین راه حل دو کشوری را پذیرفته اند ولی عملا اسرائیل با نسل کشی شعار ریختن فلسطینیان به "دریا" را جلو می برد. در عین حال یهودیان مترقی اسرائیلی برعکس صهیونیست های مرتجع و جنای تکار موافق حقوق برابر و تشکیل یک کشور با فلسطینیان هستند.

جنایات عظیمی که دولت اسرائیل علیه فلسطینیان بویژه مردم غزه این روزها انجام می دهد، حتی شرمگین ترین هواداران خود را هم از دست داده است، اما برای بخشی از اپوزیسیون خود فروخته ایران از جمله سلطنت طلبان ایران، "دفاع از خود اسرائیل" به اسم رمزی برای خود فروشی و هرزگی سیاسی بیشتر به دشمنان خلق فلسطین تبدیل شده است. بخشی از اپوزیسیون با اعلامیه های بلند بالا درافشای جنایات اسرائیل و مرتجعین حماس اظهار نظر کرده و نتیجه گرفته اند که بایستی در دفاع از مردم فلسطین فعالانه تلاش کرد. ولی آنها در بسیاری از تظاهرات خارج کشور نه تنها فعال نیستند بلکه با عدم شرکت خود در تظاهرات اعتراضی به نسل کشی در فلسطین و واگذاری آنها به نیروهای غیر چپ و سوسیالیست، اجازه می دهند که چپ رادیکال جنبش فلسطین از پشتیبانی اپوزیسیون ایران در این شرایط سخت محروم شود. روشن است که هیچ جناحی از فعالین چپ و سوسیالیست ایران حماس را نه یک نیروی مترقی و نه تأیید کننده روشها و سیاست و عملکردهای حماس بلکه حماس را نیرویی مرتجع می دانند.

در این روزها برخی از نیروهای چپ فلسطینی در درگیری های اخیر حضور دارند که میدباهای رسمی از هر دو طرف اسرائیل و حماس نامی از آنها نمی برند. برای آینده جنبش فلسطین برخی از این نیروها می توانند تعیین کننده شوند. وظایف انترناسیونالیستی به اپوزیسیون مترقی در ایران حکم می کند که نه در حد اعلامیه بلکه بصورت متشکل و عملی تری از جنبش مترقی فلسطین حمایت کنند. جنبش فلسطین جنبشی علیه اشغالگری و تجاوز و آواره کردن ملت فلسطین است. اما در دوران تاریخی این امر بدون رهبری یک نیروی سوسیالیست فلسطینی با پشتیبانی یهودیان اسرائیل و شکستن و ضعیف شدن نیروهای امپریالیستی و کوتاه کردن دست آنها



بر علیه رژیم فاشیست موضع گیری کرد و در اپوزیسیون قرار گرفت.

او که با خیالات واهی، خواب و خیال و نادیده گرفتن باورهای حتی برخی از همراهان خود، چون جاکومو ماتتوتی، درک نادرست و غیر واقع بینانه، ندیدن خشونت برهنه موسولینی و دار دسته‌اش، جنبش سوسیالیستی را به راه انشعاب و تضعیف کشانده و دل به تأثیر گذاری و به راه درست آوردن فاشیسم بسته بود، خود نیز قربانی آن شد! در اینجا این پرسش پیش می آید که آیا انسان، آن هم یک رهبر سیاسی و پیشینه دار، ضرورتاً بایستی شکنجه و زندانی و گریز برای نجات جان را بر روی پوست و استخوان خویش لمس کند تا به بدسگالی و دژخیمی حریفان پی ببرد؟ پس دانش و خرد، آن هم از سوی یک رهبر سیاسی پُر پیشینه و با دیدن خشونت و کشتارهای چندین ساله، در کدام گوشه مغز او پنهان بود؟ اینجاست که همه مبارزان راه آزادی و داد، به ویژه جنبش زحمت‌کشان و تولید کنندگان، بایستی از تاریخ بیاموزند و پیایی با شناخت از شرایط ویژه، دیدن همراهان این راه و مبارزه و نکات برجسته در همسویی و اهداف، و نیز اختلافات بنیادی با حریفان بپردازند.

در ۲۴ دسامبر ۱۹۲۵ بر پایه «قانون»، چهره دولت لیبرال تغییر می کند. درست در زمانی که یکمین دولت موسولینی، پس از ربودن و کشتن جاکومو ماتتوتی، در بحران بود و سِمَت رئیس شورای وزرا را بر عهده داشت، از سوی پادشاه، نخست وزیر و دبیر حکومت نامیده شد و تنها در مقابل او مسئول بود و نه در مقابل نمایندگان مجلس! همچنین پادشاه هیئت وزرای پیشنهاد شده از سوی موسولینی را پذیرفت؛ اینان نیز به نوبه خود در مقابل پادشاه و موسولینی مسئول بودند. دیگر این که هیچ پیشنهاد و برنامه ای که درون مجلس گفتگو می شد، بدون تأیید نخست وزیر پذیرفته و درخور اجراء نبود.

در یک سخن: موسولینی عملاً یگانه حاکم ایتالیا شد.

شگفتا از این همه سرسپردگی نمایندگان وابسته به حزب فاشیست و نیروهای پشتیبان آن که حتی در مجلس به هیچ شمرده می شدند و با خوراری سر تسلیم فرود می آوردند. هرچند که چندان هم جای شگفتی نیست، چرا که رژیم های ستمگر و دیکتاتوری، که به ویژه در دوره بحران های گوناگون (که در ایتالیا در بخش یکم به آن اشاره شده بود) پدید می آیند، پایه های آنان از ساده لوحان ناآگاه و فریب خورده، قهرمان جویان بی پایه، بزهداران، لومپن‌ها، فرصت‌طلبان گونه گون، جاه طلبان فرومایه و خشونت گراهای جنایتکار که در جای خود بزدل هستند، تشکیل می شود.

شوربختانه فاشیسم در آغاز پیدایش خود از

پشتیبانی درسد (=درصد) نسبتاً گسترده ای از مردم، حتی در میان تحصیل کرده ها، برخوردار بود و دست کم به دو گونه، فاشیسم و نازی فاشیسم، در ایتالیا و آلمان در دهه ۱۹۳۰ و تا نیمه دهه ۱۹۴۰ جهان را به آتش کشاند.

در ۳۱ ژانویه ۱۹۲۶ با مصوبه قانون فرمایشی شماره ۱۰۰، با بیشتر کردن قدرت فرماندار انتصابی، ماده‌های آن، یک سویه و بدون نظرخواهی و یا تأیید و تضمین از سوی شورای قانون گذار، بیدرنگ به اجرا درآمدند و بر پایه آن حق اعتصاب نیز لغو شد.

در ۴ فوریه ۱۹۲۶، با لغو شیوه انتخاباتی، همه شهرداران و بخشداران برگزیده شده در انتخابات و مسئولین اداره های دولتی با تأیید پادشاه از سِمَت خود برکنار گشتند و به جای آنان افراد برگزیده شده از سوی فرمانداران انتصابی بر سر کار گذاشته شدند. همه مسئولیت ها انتصابی و انتسابی گشتند و اینگونه، پیایی «قوانین» فرمایشی به اجراء درآمدند.

مجلس عملاً به یک سازمان نگرندۀ فرمانبر و نامه نویس درگاه حاکم نزول کرد.

در ۶ نوامبر همان سال با مصوبه شماره ۱۸۴۸ از سوی پادشاه، همه احزاب، تشکیلاتها و سازمان‌های گونه گون که مخالف رژیم بودند به گونه‌ای نهایی منحل گشتند.

در ۹ نوامبر ۱۲۰ تن از نمایندگان نیز برکنار گشتند.

با حاکم شدن دیکتاتوری فاشیستی، دیگر جایی برای کم‌ترین خواست‌های حقوقی و انسانی نمانده و هر گونه آزادی پایمال شده بود و هر صدایی، به جز ستایش و گردن نهادن به فاشیسم در گلو خفه می شد و با باتوم و دستگیری و زندانی و شکنجه و اعدام همراه بود این گونه، سنگدلانه‌ترین حکومت «قانونی» در تاریخ، که پایه گذار بیش از دو دهه کشتار و سرکوب و پیدایش بدترین گونه آن با نام نازی فاشیسم که جهان را به خاک و خون کشید، بنیان شد.

دیگر جایی برای مبارزین و آزادی خواه، به ویژه کمونیست ها، نمانده بود. حزب کمونیست مخفی شد و زندگی پنهانی و مبارزه اعضا و هواداران آن، هر دم با خطر زندانی و کشته شدن همراه گشت.

«دادگاه ویژه» رژیم فاشیست در سال ۱۹۲۶ ده‌ها حکم مرگ و در مجموع ۲۸ هزار سال زندانی برای انبوه مخالفان را صادر کرد. در زیر این فشار و پیگرد «قانونی»، آنان که هنوز زندانی نشده بودند مجبور به ترک میهن و گریز به فرانسه، سوئیس و اتحاد جماهیر شوروی گشتند.

«آزردۀ کرد کژدم غربت جگر مرا

گوی زبون نیافت ز گیتی مگر مرا

در حال خویشتن چوهمی ژرف بنگرم

صَفرا همی برآید از آنده به سر مرا
گویم: چرا نشانه تیر زمانه کرد
چرخ بلند جاهل بیدادگر مرا
گر در کمال فضل بود خطر مرا

چون خوار و زار کرد پس این بی خطر مرا؟»
آنتونیو گرامشی، که پس از دستگیری اَمَدُئو بُردیگا در ماه ژوئن سال ۱۹۲۳، با تصمیم انترناسیونال کمونیستی، دبیر حزب کمونیست ایتالیا شده بود، همچنین در کنگره مخفیانه در شهر لیون (Lion در فرانسه)، که از بیستم تا بیست و ششم ژانویه ۱۹۲۶ برگزار گشته بود، با بیش از ۹۰٪ آراء به دبیری حزب برگزیده شد.

گرامشی پس از یک نشست حزبی، در هشتم نوامبر همان سال، همراه با دیگر نمایندگان حزب در شهر رُم دستگیر شد. او از بنیان گذاران و رهبر بلشویکی کردن حزب بود.

در بخش آینده به زندگی، مبارزه، نقش و دیدگاه این بزرگ‌مرد کوچک اندام در جنبش کمونیستی و پیرامون آن خواهیم پرداخت.

عباس دهقان دسامبر ۲۰۲۳

خاطرات ترزا نوچه.... بقیه از صفحه آخر

بخوابم. روز بعد دست به کار شدم و دور تا دور رختخوابم را آب کلر ریختم و دو باره به رختخوابم به آشپزخانه رفتم.....

از طرف حزب کمونیست فرانسه به من وظیفه داده شد، فعالیت‌های "تیروی کارگری مهاجر" را رهبری کنم. رهبری را از "مارسی" آغاز کردم و با مهاجرین کشورهای مختلف ارتباط برقرار کردم. برای این منظور نخست از رفقا، هسته کوچکی به وجود آوردم. برای کم شدن خطر دستگیری زنجیره ای، تشکیلات را به صورت کاملاً مجرد سازماندهی کردم. برای مدت طولانی با یک رفیق زن یهودی که از "حزب کمونیست فرانسه" به من معرفی شده بود و همین طور با بقیه رفقای داوطلب بریگادهای بین‌المللی که زندگی مخفی داشتند، کار کردم.

تا مدتی فعالیت ما بیشتر شامل ترجمه نوشته های حزبی به زبان‌های مختلف بود که در بین مهاجرین پخش می شد. این کار بسیار حساس و خطرناک بود. خیلی از رفقا فکر می کردند که پخش اعلامیه و روزنامه ارزش استقبال از این همه خطر را ندارد. اما من همچنان بر این عقیده بودم که آنان به اهمیت نشریه کم بها می دهند. اگر می خواستیم علیه دروغ پردازی های فاشیست



شدم، باید حتی عطسه ام را حبس کنم و برای فین کردن هم ایجاد سر و صدا نکنم. برای کارهای "ضروری" لگنی در دسترس بود که می توانستم از آن استفاده کنم. اما شب وقتی دخترک می رفت می توانستم به توالت بروم.....

چند شب بعد "پارودی" آمد و مرا از آنجا برد. از زن و شوهر صاحبخانه که از من نگه داری کرده بودند قلبا تشکر کردیم. آن ها بسته بزرگی کتلت، از گوشت خوک هایی که برایم آن همه ترس به وجود آورده بودند به ما دادند. به عقیده "پارودی" کتلت خوک هدیه پر ارزشی بود.....

مدارکم برای "پوشش" هنوز آماده نبود و تا آماده شدن آن، به یک خانه آزاد و بدون خوک که متعلق به خانواده "ایومونتان" بود رفتم و در آنجا ماندم. "ایو مونتان" آن زمان مثل حالا مشهور نبود. او در سال ۱۹۴۱ که در اوج جوانی بود، به خاطر این که از طرف آلمان ها دستگیر و به آلمان فرستاده نشود، سعی می کرد تا جایی که ممکن بود کمتر به خانه اش برود. او در شهرهای کوچک آواز می خواند و در پیش پرده ها، اعلام برنامه می کرد. بنا براین اتاقش تقریبا آزاد بود. پدر و مادرش از رفقای خوب ضد فاشیست بودند که مانند بسیاری از مردم باید به "مارسی" مهاجرت می کردند آن ها با میل و رغبت مرا پذیرفتند.

..... به کمک خواهران "ایو مونتان" که آرایشگر بودند، موفق شدم متناسب با پوشش جدیدی که رفقا برایم تدارک می دیدند قیافه ام را تغییر دهم. خواهران "ایو مونتان" زیر ابروهایم را برداشتند و حالت جدیدی به صورت و چشمانم دادند. سپس موهایم را با آب اکسیژنه رنگ کردند و آرایش موهایم را در مقایسه با فرم همیشگی آن به کلی تغییر دادند.

تغییر بدان حد بود که وقتی در آینه نگاه کردم خودم را نشناختم..... به این ترتیب چهره ام عوض شد، آماده هویتی جدید شدم و آغاز به فعالیتی کردم که بسیار خطیر و با مسئولیت بود. برای شروع فعالیت لازم بود قبل از هر چیز سربازانی را که در اسپانیا می جنگیدند و یا توانایی و تجربه ای در کار نظامی داشتند پیدا کنم. اگر برای آزادی آن هایی که در اردوگاه بودند امکاناتی وجود نداشت، لازم بود برای فرارشان راهی جستجو می کردیم.

با کمک رفقای متخصص ایتالیایی، پوشش های لازم برای کادرهای جدید تهیه کردیم و "سوراخی" پیدا کردیم تا آن ها را حد اقل در آن جا به طور موقت اسکان دهیم. مشکل تر از سازماندهی، فرار زنان از اردوگاه بود. زنان برای کار ما بسیار مفید و لازم بودند. در این

جدا کنم. این کاری بود که رفقای کشورهای دیگر، حتی بهترین و آماده ترین آن ها از نظر سیاسی غالبا قادر به انجام آن نبودند. چراکه از تجربه کافی برخوردار نبودند و به چنین روش هایی عادت نداشتند. من می دانستم که خطر همیشه موجود است. همواره امکان داشت نه تنها آزادیم، بلکه زندگی را نیز از دست بدهم. وقتی به این مسئله فکر می کردم ترس از مرگ را با جمله "سوگند پونتیدا" که اغلب آن را در دوران بچگی به صورت نثر تکرار می کردم به یاد می آوردم: "بندگی، در برابر مرگ است"، بله بندگی نازی ها همان مرگ بود. در دنیایی که نازی ها حکومت می کردند، من نه می خواستم و نه می توانستم زندگی کنم و برای همین فکر می کردم بهتر و منطقی تر است که خطر مرگ را پذیرا شوم تا شاید از پیروزی آنان جلوگیری کنم.

مشکلاتی که در اولین ماه های مبارزه مخفی، علیه تجاوزگران نازی با آن دست به گریبان بودم بسیار بود. اساسی ترین آن ها مخفی کاری و محل زندگی بود که تقریبا همیشه یکی به دیگری مربوط بود. در "مارسی"، پس از زندگی در "آشپزخانه عقرب ها" رفیق "پارودی" محلی را در یک شرکت روستایی خارج از شهر برایم پیدا کرد. در آنجا یک خانواده ایتالیایی از مدت ها پیش به فرانسه مهاجرت کرده بودند، به نگهداری خوک اشتغال داشتند. اولین شبی که رفقا مرا به آنجائی که من آن را "خانه خوک ها" نامیدم برده بودند به من گفتند: "حد اقل مطمئنی که در این جا غذا می خوری". سرویس های ما در تدارک پوششی برای ما بودند، زیرا که فعالیت ما به زودی تغییر می کرد. همان طوری که پیش بینی کرده بودم، تنها کافی نبود دوباره به نیروی کارگری مهاجر وصل شد، بلکه می باید تمام کارگران را برای جنگ مسلحانه علیه اشغالگران به حرکت در آورد.

برای سازماندهی این وظیفه جدید، احتیاج به یک کار تدارکاتی بسیار دقیقی بود که شامل پیدا کردن و تهیه امکانات استتاری می شد. رفقا به من گفتند فقط چند روزی در خانه خوک ها بمانم تا پس از بررسی و مراقبت کامل، ارتباط شان را با من برقرار کنند و اسناد و اطلاعاتی در اختیارم بگذارند. زن و شوهر دهقانی که از خوک ها نگه داری می کردند، مرا به اتاق کوچکی هدایت کردند و سفارش کردند تا زمانی که خبرم نکرده اند همان جا بمانم..... آن ها به من گفتند، دختری نزد شان کار می کند که نمی تواند به وی اطمینان داشته باشند. در طول روز نباید سر و صدا می کردم و یا به پنجره نزدیک می

ها مبارزه کنیم، برای سازماندهی احتیاج به وسیله داشتیم. آن هم به ویژه در شرایطی که برای برقراری ارتباط، حتی امکان تشکیل جلسه هم نداشتیم. نشریه تنها رابط بین ما و رفقا بود. نه تنها رهنمود دهنده و وسیله انتقال خبر، بلکه تنها وسیله سازماندهی هم بود. مسائل بسیاری وجود داشت که باید گفته می شد و توضیح داده می شد. تهاجم به شوروی تمامی چشم اندازهای سیاسی و فعالیت کمونیست ها را تغییر داده بود. اولین رفیقی که می خواست با من کار کند "پابلو بارونتینی" بود. همچنین رفیقی به نام "اپولونیو د کاروالهو" اهل آمریکای جنوبی بود که با تمام مهاجرانی که زبانشان اسپانیایی بود رابطه داشت. با توجه به آینده نگری و احتمال آغاز جنگ مسلحانه علیه تجاوزگران، "بارونتینی" را فرد مفیدی می دانستم و از تجارب او در جنگ پارتیزانی "اتیوپی" آگاه بودم - اگر آنچه که در اسپانیا انجام داده بود را نیز به حساب می آوردم، آن وقت روشن می شد که او کادر پر ارزشی بوده است.

وظیفه امداد سرخ در ارتباط با خانواده های دستگیر شده نیروی کارگری مهاجر را به عهده او گذاشتم. بی شک این کار برای او یک فعالیت ایده آل نبود، اما این امکان وجود داشت که در ازاء کارش پول کمی دریافت کند تا بتواند زندگیش را بگذراند، بی آن که مجبور شود دستش را به سوی کسی دراز کند، که در شرایط او باعث تحقیرش می شد. از سوی دیگر فعالیت کردن در امداد سرخ در سرزمین اشغال شده به دست نازی ها، فعالیتی دور از خطر نبود.

همه به من فشار می آوردند که به آمریکا بروم. رفقای فرانسوی و ایتالیایی که در آنجا بودند برایم پول می فرستادند تا بتوانم حرکت کنم. تا این که "لونگو" هم از ایتالیا به من توصیه کرد که حرکت کنم. او به من اطلاع داد که، نمی فهمد چرا نمی خواهم به آمریکا بروم. اما من که به هیچ عنوان قصد رفتن به آمریکا را نداشتیم، جواب دادم، ترجیح می دهم بمانم و برای "عمو موریس" کار کنم. پول هایی را که پیایی دریافت می کردم به حزب می دادم تا این که در جهت فعالیت در ایتالیا استفاده شود.

فعالیت "برویار" (۳) در فرانسه، همچون فعالیت غیرقانونی در ایتالیا نبود. بیش از هر چیز من ایتالیایی بودم و فرانسوی نبودم و طرز تفکر و نوع تربیت سیاسی ایتالیایی را داشتم. بنا بر این عادت به مراقبت و مخفی کاری از تجارب گذشته، به من اجازه می داد که در عین بودن در میان مردم و در بین رفقا، بطور جدی کار حزبی را از زندگی شخصی ام و فعالیت یک گروه را از گروه های دیگر ...

اعتصاب حق مسلم کارگران است



دست هایم را بگیر ای دوست!

دست هایم را بگیر ای دوست!
 پاهایم توان راه رفتن را ندارد
 خونی اندک در رگم جاریست
 پوستم من، استخوانم، کودکی بی خانمام
 مادرم پستان بی شیرش خشکیدست
 دست هایش نا ندارد
 دیده اش یاری دیدن را ندارد
 استخوان است، پوست است
 - چون من -
 سیه چرذست
 - چون من -
 به رنگ تیره ی این خاک داغ ننگ خوردست
 به رنگ تیره ی این خاک تفتانست
 که از اندوه بی پایان فقر و تابش خورشید
 سراسر سینه چاک و در فغان بی امان است.
 دست هایم را بگیر ای دوست!
 سهمم را بده، سهمم را تو بستان!
 آب و خاکم ... آه ...
 دانه های زینت این خاک پاکم را تو بستان
 - که اکنون -
 زینت است دستان از ما بهتران، گردن بلوران،
 سینه چاکان شبان جشن و سوران، میگساران
 ، بی غمان،
 جغدانی خفتان روز شب پرواز در آواز... دست
 هایم را بگیر ای دوست!
 زبی بذری، ز بی آبی، زمین خشک گردیدست
 ز کار تن - روان فرسای بیگاران معدن های
 الماس و ذغال سنگ
 درون حفره های سرد و وحشت زا
 دل خاکم تهی گردیده، می لرزد از ضعف،
 -چون من -
 دست هایم را بگیر... ای دوست.

عباس دهقان آدینه ۲۷ اردیبهشت ۱۳۷۵
 خورشیدی ۱۷ مه ۱۹۹۱ میلادی

به تارنمای اینترنتی حزب

رنجبران ایران مراجعه

کنید

سایت حزب رنجبران

www.ranjbaran.org

ایران ماندند و به مبارزه خود ادامه دادند را
 ارزیابی کنیم و برآنان ارج گذاریم - مترجم

لیلا آذر ماه ۱۴۰۲

به پشتیبانی از مبارزات کارگری برخیزیم

جنبش کارگری ایران همچنان در میدان،
 در برابر ادامه سیاست حاکمیت مافیایی
 سرمایه‌داری ایستاده و هر روز با درایت و
 متشکل‌تر سرمایه‌داران را به چالش می
 کشد. و بر خرابه‌های ریزش همه جانبه
 جامعه ساخته پرداخته جمهوری اسلامی
 نظم نوینی را طلب می کند. امروز طبقه
 ای با سابقه بیش از یک قرن مبارزه با
 جهانی‌بینی رهایی کل مردم میلیونی ایران،
 کل ستمدیدگان و استثمار شونده‌گان شکل
 گرفته که نظام حاکم مستی کوچک ستمگر
 و استثمارگر را هدف گرفته است. جنبش‌های
 ۹۶ ، ۹۸ ، و جنبش زن زندگی آزادی درست
 است که مردم هزینه سنگینی دادند ولی
 درس‌های پر ارزشی هم به کف آوردند. در
 عمل روشن شد که در ایران امروز در برابر
 رژیم جمهوری اسلامی بدون شرکت سازمان
 یافته طبقه کارگر پیروزی حاصل نخواهد
 شد. طبقه کارگر ایران در معنی وسیع که در
 برگیرنده کلیه تولید کنندگان، مزد بگیران،
 بیکاران و بازنشستگان است که هشتاد تا
 نود درصد جامعه را تشکیل می‌دهند تنها
 نیرویی است که می تواند در میزانی کم
 هزینه تر، انقلابی را سازماندهی کند و با
 استقرار وسیع‌ترین دموکراسی نقش لایزال
 توده را در حفظ و ادامه انقلاب شکوفا سازد.
 طبقه کارگر ایران در تجربه آموخته است که
 بدون تئوری انقلابی و بدون کادرهای انقلابی
 مسلح به این تئوری که توانایی بکار بردن آنرا
 برای شناخت مبارزات جاری داشته باشند و
 کار مخفی و علنی را بتوانند دقیقاً بکار گیرند؛
 پیشروی محسوسی نمی کنند. درس تاریخی
 جهانی طبقه کارگر و ایران گواهی میدهد که
 روند مبارزات جاری رشد نخواهد کرد مگر
 اینکه کارگران قادر شوند حزب پیشرو خود
 را بوجود آورند چون دشمن قهار با بکاربردن
 گلوله های شکر آلود و جلب عناصر کارگری
 خود فروخته از یکسو و استفاده از حربه اخراج
 و سرکوب از سوی دیگر همچون گذشته به
 مقابله دست خواهد زد. وظیفه کلیه فعالان
 کارگری، سوسیالیست‌ها و کمونیست‌ها
 میباشد که تماماً و کاملاً خود را در خدمت
 این وظیفه تاریخی گذارند.

بین خانه "ایومونتان" را ترک کردم. در "لو کانه"
 در اطراف "مارسی" با کمک رفیقی اتاقی را
 در خانه سیاه پوستی پیدا کردم. "جوما" اهل
 "ماداگاسکار" بود. او به عنوان آشپز در کشتی
 کار می کرد. این خانه که جلوی آن باغچه ای
 بود، به اندازه کافی دور افتاده و منفرد بود. زن
 "جوما" اسپانیایی بود. آن‌ها با دختر کوچک
 شان زندگی می کردند.

من خود را به عنوان نویسنده داستان بچه‌ها
 معرفی کرده بودم. از آن جا که مادر بچه کمی
 فرانسه می دانست و پدرش به کلی بی سواد
 بود، به من پیشنهاد کردند به بچه شان درس
 بدهم و او را در انجام تکالیف مدرسه اش کمک
 کنم. زن و شوهر نه تنها هویت واقعی مرا نمی
 دانستند، بلکه قبل از اینکه اتاقک بالای خانه
 شان را به من بدهند، "جوما" از من خواست
 قسم بخورم کار سیاسی نمی کنم، که جز این
 چاره ای نداشتم. علاوه بر اجاره خانه مبلغی
 هم برای پانسیون می پرداختم.

به این ترتیب به عنوان نویسنده داستان بچه
 ها، پوشش و گریزگاه مناسبی برای خود دست
 و پا کرده بودم. نیاز من به یک "پوشش" و
 محلی برای زندگی، واقعاً امری جدی بود، زیرا
 که حزب کمونیست فرانسه به من وظیفه
 داده بود تا گروه‌های "فرانتیرو پارتیزان" که
 اولین گروه‌های عملیاتی علیه اشغالگران
 بودند را سازماندهی کنم. "انقلابی حرفه ای"
 ص. ۳۳۷-----

۱- عمو موریس: موریس توروز رهبر حزب
 کمونیست فرانسه
 ۲- فرانسه پتن: بخش جنوبی فرانسه که
 حکومت ژنرال پتن بود - پس از هجوم
 نیروهای هیتلر به پاریس، ژنرال نخست وزیر
 فرانسه با آلمان از در سازش در آمد، پاریس
 و بخش شمالی فرانسه تحت حکومت آلمان
 نازی و بخش جنوبی تحت حکومت ژنرال پتن
 با نظارت آلمانی‌ها به دو قسمت تقسیم‌ش -
 مترجم (۳) فعالیت "برویار" - به زبان فرانسه
 "برویار به معنی مه است. آن زمان به فردی
 که مخفی می شد، گفته می شد: آن شخص
 به "رویار" می رفت. در اینجا به معنی فعالیت
 مخفی است - مترجم.

۴ - در شماره‌های آینده "رنجبر" به این
 نوشته واقعی که به تاریخ مبارزات جنبش
 کمونیستی در اروپا و همچنین به از خود
 گذشتگی کمونیست‌ها در مبارزه با نازی -
 فاشیست‌ها در ایجاد گروه‌های پارتیزانی
 اشاره دارد. ادامه این مقاله د از این جهت
 برای ما کمونیست‌های ایران اهمیت دارد که
 با مطالعه همه جانبه آن می توانیم شرایط
 سخت سال‌های ۱۳۶۰ و از خود گذشتگی
 نیروهای چپ را، که در سخت‌ترین شرایط در



فلسطین و شکست آتش بس

شده است، هیچ نقطه امنی برای هیچکس وجود ندارد و اسرائیل بدون مهابا به نسل کشی مشغول است.

دولت اسرائیل بدون پشتیبانی آمریکا و دولت های بزرگ اروپا نه به لحاظ مالی و نه به لحاظ بین المللی قادر به یک چنین جنایت و نسل کشی نبوده و نیستند. نتانیاهو مصرانه خواهان کوچ مردم غزه حتی از جنوب غزه به طرف شهر رفح که هم مرز مصر است، می باشد. او می گوید تا نابودی حماس عملیات نظامی ارتش اسرائیل ادامه خواهد داشت و بعد از بین رفتن حماس

فلسطینیان اعلام کرده بود، که باعث کشته و زخمی شدن هزاران نفر دیگر شد. در حال حاضر که این نوشته آماده می شود، تعداد جانباختگان فلسطینی ناشی از بمباران به بیش از ۱۹ هزار نفر رسیده است که بیش از نیمی از آنان کودک و زنان هستند. هزاران کشته شده همچنان زیر آوار ناشی از بمباران ها بجای مانده اند و امکان بیرون کشیدن و به خاک سپردن آن وجود ندارد. اسرائیل غزه را به جهنمی برای مردم تبدیل کرده است. بیش از ۶۰ درصد منازل و مناطق غزه توسط بمباران نقطه به نقطه به تلی از ویرانی مبدل

دور دوم جنگ بین فلسطینیان و دولت اسرائیل بعد از آتش بسی کوتاه، با شدتی هر چه تمامتر از سوی اسرائیل شروع شد. اسرائیل حتی قبل از مذاکرات صلح بخاطر تبادل اسرای اسرائیلی با زندانیان فلسطینی، اعلام کرد که بعد از پایان آتش بس جنگ را تا نابودی حماس ادامه خواهد داد. با اتمام زمان آتش بس که سه روز هم تمدید شد، اسرائیل با تمامی قدرت آتش خود، بمباران غزه را از سر گرفت، به شهرها و محلات و مکان های مسکونی حمله موشکی و بمباران هوایی کرد که خود آنرا مکان های امن برای

نگاهی گذرا به پیدایش فاشیسم در ایتالیا

درگذشت: - رُم - ۲۷ دسامبر ۱۹۶۰. او از سال ۱۹۰۶ تا ۱۹۰۸ در بخش هشتم هَنگ آلپینی (Alpini) در ارتش ایتالیا، دوره سربازی را به پایان رساند. هَنگ آلپینی، پیاده نظام ویژه کوههاست، از آن روی که بیشترین سرزمین ایتالیا را تپه ها و کوه ها تشکیل می دهند، این هَنگ در ۱۵ اکتبر سال ۱۸۷۲ در شهر ناپل برای دفاع از مرزهای کوهستانی شمال ایتالیا بنیاد گذاشته شده بود؛ بخش هشتم آن از مردم و سربازان استان هم مرز با اتریش تشکیل گردیده. زَنینی در سال ۱۹۱۴ به حزب سوسیالیست

اعدام و ایجاد یک «دادگاه ویژه» بر پایه پژوهش، پیگرد و اختیارات گسترده آن درباره جرم های سیاسی و دست کم همراه با محکومیت افراد در بازداشت خانگی، به راه افتاد و وزیر داخله در رأس آن بود. از این روی، هر روز نه تنها سازمان ها و احزاب مخالف با فاشیسم، بلکه شهروندان غیر وابسته به آنان نیز در زیر فشاری بیشتر و روزافزون و پیگرد قرار گرفتند. -سوء قصد به موسولینی- تیتو زَنینی (Tito Zaniboni) زاده: - مُنْزَمَبَنو (Monzambano) در شمال ایتالیا- یکم فوریه ۱۸۸۳

نگاهی گذرا به پیدایش فاشیسم در ایتالیا و درس آموزی از مبارزات کمونیست ها و پارتیزان های ضد فاشیسم بخش ششم

در دو ساله ۱۹۲۵-۲۶ قوانینی ضد آزادی از سوی دولت فاشیستی، با پشتیبانی بیش از ۶۰٪ نمایندگان در مجلس و پادشاه، تصویب و به اجراء گذاشته شد: انحلال احزاب، سازمان های سندیکایی غیر فاشیست، سرکوب هرگونه آزادی مطبوعات، گردهمایی و سخنرانی ها؛ همچنین راه اندازی

خاطرات ترزا نوچه

که می دانستم او نسبت به شوهرش حسود است، ترجیح دادم روی زمین آشپزخانه دشکی بیندازم و آن جا بخوابم. شب پس از شام و گفتگو با رفقا، وارد آشپزخانه شدم که با روشن شدن چراغ متوجه شدم حیوان کوچکی در حال دویدن است. آن یک عقرب بود که از چراغ ترسیده بود و پا به فرار گذاشته بود. رفیق زن به من گفت در مارسی گاهی از این حشرات پیدا می شوند. ترس بر من غلبه کرد و قبول کردم روی تخت خواب دو نفری آن ها

طور موقت زندگی کنم. شوهر در بندر کار می کرد و زن در خانه. این رفقا از اهالی استان "توسکانا" و اگر اشتباه نکنم از اهالی شهر "لیورنو" بودند و "ایلیو بارونتینی" را خوب می شناختند. آن ها در یک زیر زمین زندگی می کردند که شامل یک اتاق خواب و یک آشپزخانه بدون پنجره بود. آب و توالت هم داخل راهرو قرار داشت. رفیق زن به من پیشنهاد کرد که باهم روی تخت خواب دو نفری شان بخوابم، اما از آنجا

فعالیت با حزب کمونیست فرانسه "ترزا" چنین حکایت می کند: "بلاخره تصمیم گرفتم در مهاجرت با "عمو موریس" (۱) کار کنم. برای برگشتن به فرانسه "پتن" (۲) و به "مارسی" باید با یک تامین نامه عبور قلبی، از خط مرزی تعیین شده می گذشتم. به مجرد ورود، با رفقای "حزب کمونیست فرانسه" و با رفقای ایتالیایی که به طور جدی در جستجوی محلی برای زندگی ام بودند، تماس گرفتم. قرار شد با زن و شوهری که ایتالیایی بودند، به

با نشانی های زیر با ما تماس بگیرید و نشریات حزب را بخوانید:

بجز نوشته هایی که با امضای تحریریه منتشر می گردد و بیانگر نظرات حزب رنجبران ایران میباشد، دیگر نوشته های مندرج در نشریه رنجبر به امضای فردی است و مسئولیت آن ها با نویسندگان نشان می باشد.



آدرس پست الکترونیکی حزب رنجبران ایران:
ranjbaran.org@gmail.com

آدرس غرفه حزب در اینترنت:
www.ranjbaran.org